

نقد و ارزیابی ایده دانشگاه جامعه‌محور در ایران از دیدگاه خبرگان

علمی^۱

خدیدجه آذر*

غلامرضا ذاکر صالحی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقد و ارزیابی دانشگاه جامعه‌محور در نظام آموزش عالی ایران اجرا شد. بدین منظور، به‌طور هم‌زمان از روش مطالعه اسنادی و مصاحبه با متخصصان استفاده شد. میدان پژوهش شامل مهم‌ترین متون اسنادی درباره وضعیت دانشگاه جامعه‌محور در ایران و مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند بوده و از پانزده سند علمی به‌عنوان نمونه نوشتاری استفاده شد. همچنین با دوازده نفر از متخصصان آموزش عالی، مصاحبه‌ای به روش هدفمند و از نوع گلوله‌برفی انجام گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضامین استفاده شد. سپس مضامین استخراج شده در سه سطح، گفتمان اول، گروه موافقان (درون‌گرا)؛ گفتمان دوم، گروه مخالفان (برون‌گرا) و گفتمان سوم، گروه موافقان مشروط، دسته‌بندی و ارائه شد. ارزیابی‌های خبرگان نشان می‌دهد که وضعیت دانشگاه جامعه‌محور متأثر از مداخلات بیرونی بوده و بیشتر مشکلات مربوط به تحقق نیافتن دانشگاه جامعه‌محور در ایران به ریشه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برمی‌گردد. همچنین، الگوی مفهومی دانشگاه جامعه‌محور در ایران با یازده مؤلفه اصلی (تناسب با بافتار ایران، مسئولیت‌پذیری، ارتباط و تعامل، توسعه عدالت، توسعه دانش-آموزش و پژوهش، اقتصاد و فناوری، فرهنگ دانشگاهی، استقلال دانشگاهی، رهبری و مدیریت، توانمندسازی و توسعه پایدار) طراحی شد. ارزیابی خبرگان بیانگر این است که در مؤلفه‌های یازده‌گانه وضعیت مطلوب نبوده است.

واژگان کلیدی: نقد، ارزیابی، جامعه‌محوری، دانشگاه متعهد به جامعه، نظام آموزش عالی،

مطالعه اسنادی و مصاحبه

^۱ این مقاله مستخرج از پژوهشی است که در دوره فرصت مطالعاتی در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی با عنوان «بررسی دانشگاه جامعه‌محور در نظام آموزش عالی ایران» در سال ۱۳۹۸ انجام گرفته است.

* گروه مدیریت آموزشی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

** دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (نویسنده مسئول: Rsalehi514@gmail.com)

مقدمه و بیان مسئله

به موازات تحولات اخیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر روند خلق دانش و توسعه فناوری به‌ویژه وابستگی توسعه ملی به تولید دانش و فناوری در ایجاد مزیت رقابتی پایدار، مأموریت و کارکردهای دانشگاه نیز به‌شدت دستخوش تغییراتی قرار گرفت. نسل جدیدی از دانشگاه با عنوان «دانشگاه نسل چهارم» الگوی حرفه‌ای نوینی را معرفی کرد که برای توسعه محلی و منطقه‌ای فرصت‌سازی می‌کند (پاولوسکی^۲، ۲۰۰۹؛ لوکویچ و زوتی^۳، ۲۰۱۵). در چنین فضایی، اگرچه دانشگاه محدود و محصور به فضا یا مکان جغرافیایی خاصی نیست، اما دغدغه اصلی دانشگاه علاوه بر «حضور جهانی»، اقتصاد محلی و محیط خود با تشکیل «جامعه دانشی» است. به عبارت دیگر، نسل چهارم رویه و سیاست‌های توسعه‌ای محلی و منطقه‌ای دارد، سرمایه‌های فکری و تغییرات محیطی را مدیریت می‌کند و فراتر از رابطه متعارف «سه‌گانه» دانشگاه-صنعت و دولت به نوعی «دانشگاه جامعه‌محور»^۴ است (سیماکو و تی^۵، ۲۰۱۹). از این‌رو، نقش دانشگاه‌ها به نهادهایی که به جامعه خدمت می‌کنند، تغییر یافت. دانشگاه‌ها نیز موظف شدند دانش را برای خدمت به جامعه خلق کنند (یولاند و فارینگتون^۶، ۲۰۱۸) و آموزش را وسیله‌ای برای دستیابی به نیازهای اجتماعی و به‌عنوان ابزاری برای اجرای یک برنامه آموزشی «جامعه‌محور»^۷ به کارگیرند (عبدالرحیم، محی‌الدین و محمود^۸، ۲۰۱۹).

^۱ در حال حاضر دانشگاه مدرن نسل‌ها و کارکردهای‌های مختلفی را نمایندگی کرده است. کارکرد سنتی‌ترین دانشگاه که به آن دانشگاه نسل اول گفته می‌شود «آموزشی» بوده است؛ مأموریت دانشگاه نسل دوم «پژوهش» و به عبارتی تولید دانش است؛ از مأموریت‌های محوری دانشگاه نسل سوم (افزون بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی)، کارکرد نوین «کارآفرینی و خلق ارزش‌های جدید اقتصادی» است. در دهه‌های اخیر، نهاد آموزش عالی در حال تجربه جدیدی از تغییر است. نسل جدیدی از دانشگاه ظهور کرده که باید آن را دانشگاه «نسل چهارم» اطلاق کرد (خرسندی، ۱۳۹۶).

^۲ Pawlowski

^۳ Lukovics & Zuti

^۴ Community-based University

^۵ Symaco & Tee

^۶ Yolande & Farrington

^۷ Community-based Education

^۸ Abdelrahim, Mohi Eldin & Mahmoud

دانشگاه‌ها برای موفقیت آموزش مبتنی بر جامعه، باید هدف‌های روشن و برنامه‌ریزی شده داشته باشند که شامل استفاده از روش‌های یادگیری فعال، مشارکت فعال همه ذی‌نفعان از راه فرایند حل مسئله و به کارگیری منابع مؤثر است؛ زیرا دانشجویان، استادان، کارکنان و اعضای جامعه به‌طور فعال در فرایند یادگیری و پاسخ به نیازهای جامعه محلی همکاری می‌کنند (مهروس، ۲۰۱۸). بنابراین، «در رویکرد جامعه‌محور، آموزش‌های رسمی و مستقیم، تنها بخشی از برنامه‌ها، کارکردها و وظایف دانشگاه را در بر می‌گیرد. در کنار آن، شکل‌گیری روحیه علمی و جستجوی نظام‌یافته در دانشجویان، نقد، خلاقیت، توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی، توان بازآفرینی، توانایی تلفیق و ترکیب ایده‌ها، آینده‌نگری، مشارکت‌پذیری و تثبیت هویت در تعامل با دیگران مطرح می‌شود» (ذاکرسالحی، ۱۳۹۶). در یک محیط آموزشی مبتنی بر جامعه، فرصت‌های یادگیری مداوم و مهارت‌های ارتباطی میان‌فردی و تفکر انتقادی دانشجویان تقویت می‌شود (هامنر و همکاران، ۲۰۰۲).

اما پژوهش‌های جامعه‌محور در دانشگاه که از رویکردهای پژوهش مشارکتی است را می‌توان از شاخص‌های ایده «دانشگاه متعهد»^۳ نام برد که شامل یادگیری متقابل است و در آن مشارکت اعضای جامعه (مانند تصمیم‌گیرندگان محلی و سازمان‌ها) متفاوت بوده و نیز تعداد اعضای جامعه باید هدف‌ها و فرایندهای پژوهش را تعیین کنند (هالست و همکاران، ۲۰۱۶). در این رویکرد، دانشگاه‌ها به تولید دانش در زمینه‌های اجتماعی، دانش بین رشته‌ای و ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر نیاز داشته و برای پاسخگویی به جامعه بر کنترل کیفیت تولید دانش تأکید دارند. دانشگاه‌ها در این بستر جدید، نقش خود را در ارتباطات فرا دانشگاهی و در تولید علم به تدریج از عرصه تعامل میان دولت-ملت و دانشگاه به عرصه بازارمحوری و جامعه مدنی گسترش می‌دهند. همچنین اصلی‌ترین مراکز تولید دانش، به‌ویژه آن بخش از دانش که در زمینه‌های اقتصادی و فناوری کاربرد دارد، فرهنگ‌سازی دانشگاه را در این شیوه جدید تغییر می‌دهند (میل و بنورس، ۲۰۱۹). بنابراین، ایده دانشگاه متعهد به محیط اطرافش متضمن آن است

¹ Mahrous

² Hamner et al

³ Engaged University

⁴ Halseth et al

⁵ Mabel & Benneworth

که از دانشگاه انتظار رود در غنی‌سازی کیفیت زندگی جامعه و مردم، مشارکت فعال و مؤثر داشته باشد. در مسائلی مانند توسعه محلی، توسعه پایدار، واکنش به فرایندهای سیاسی مؤثر بر زندگی اجتماعی، اقتصاد محلی و برای افزایش سطح دانش محلی تلاش کند. همچنین، دانشگاه متعهد به جامعه، مفهوم یادگیری ارائه خدمت را نیز گسترش می‌دهد که شامل طراحی رویکردی برای آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی جهت مشارکت و همکاری با جامعه است، البته هر خدمت ارائه‌شده به جامعه باید منعکس‌کننده باورهای فرهنگی و عملکرد اعضای آن باشد. (متاوا و همکاران، ۲۰۱۶؛ هامنر و همکاران، ۲۰۰۲). در دانشگاه‌های موفق، شیوه «تعهد به جامعه» را ابزاری می‌دانند که به موجب آن منابع عظیم خود را برای مقابله با مشکلات اجتماعی، مدنی و اخلاقی (که جوامع ما را احاطه کرده است)، به کار می‌گیرند (باربارا، ۲۰۱۱).

امروزه دانشگاه‌ها با توجه به مسئولیت خطیرشان هم می‌توانند به‌عنوان یک مسئول خادم و هم به‌عنوان یک منتقد، به جامعه خدمت کنند، اما دانشگاه درعین حال باید مسائلی را طرح کند که جامعه به آنها توجه نمی‌کند و نیز باید ایده‌های جدیدی را خلق کند که برای دستیابی به آینده مطلوب یاری می‌رساند. در حال حاضر، نقش اجتماعی دانشگاه و برنامه‌های آن، همواره به سرعت در حالت تغییر است. بدین ترتیب، دانشگاه‌ها باید توان رویارویی با چالش‌های مستمر و قابلیت انطباق‌پذیری با این شرایط متغیر را داشته باشند. همچنین، آموزش دانشگاهی، امروزه ملزم شده تا در مورد آگاه‌سازی حقوق شهروندی، به شهروندان آموزش‌های لازم را ارائه دهند (شاپیرو، ۲۰۰۵؛ ترجمه مقیمی و شصتی، ۱۳۹۶، ۹۸). از این رو، دانشگاه‌ها در ارتقای «مسئولیت اجتماعی» خود در قبال جامعه مسئول هستند؛ زیرا مسئولیت اجتماعی وظیفه‌ای برای پرداختن به نیازهای اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، توسعه پایدار، سلامت و رفاه جامعه و... است. مدیران دانشگاه‌ها باید فعالانه در کشف فرصت‌ها و طرح‌های نو برای انجام کارهای ارزشمند تلاش کنند. البته این مسئولیت‌ها باید با توجه به ظرفیت و توانایی دانشگاه انجام گیرد زیرا دانشگاه‌ها علاوه بر اینکه به جامعه خدمت می‌کنند باید چند ارزش مختلف را مورد توجه قرار دهند مانند: حفظ و استمرار آزادی آکادمیک، حفظ

¹ Mtawa et al

² Barbara

³ Shapiro

⁴ Social responsibility

استاندارهای بالای فکری، خدشه وارد نشدن به حقوق افرادی که در دانشگاه فعالیت می‌کنند (بوک و همکاران؛ ۲۰۰۹؛ ترجمه امیر، پاپلی یزدی و عالم‌زاد، ۱۳۹۶، ۹۵) همچنین، مسئولیت اجتماعی بر نقش دانشگاه‌ها در افزایش تعامل مدنی تأکید دارد که این امر موجب بهبود درک و توانایی ما برای پاسخگویی به مسائل جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی می‌شود.

بنابراین، امروزه مهم هست که دانشگاه در محیطی در حال تغییر به‌طور اجتناب‌ناپذیری در مورد ارتباط برنامه‌های فعلی آن با تعهداتش در قبال نیازهای در حال تغییر جامعه باید پاسخگو باشد. در این وضعیت دانشگاه‌ها نباید این نیاز به تغییر را به مثابه تضعیف ارزش‌های سنتی و استقلال خود تلقی کنند بلکه با پذیرش همین تغییرات نوین هست که مهم‌ترین ارزش‌های سنتی از قبیل آزادی علمی و استقلال در دانشگاه می‌تواند جانی دوباره بگیرد. به علاوه، از نقش مداوم دانشگاه به مثابه **خادم فکور و پاسخگوی نیاز جامعه**، حمایت می‌کند. از این لحاظ، این نکته حائز اهمیت است به یاد داشته باشیم که هر نهاد آموزشی، صرفاً از یک راه مشروعیت می‌یابد، یعنی با ایجاد ظرفیت‌ها، باورها و ارزش‌های اخلاقی، سازگاری و انطباق‌پذیری، رهبری و مدیریت تغییرات، تعهدات ضروری برای تضمین هدف‌های جامعه در نسل آینده؛ بنابراین دانشگاه برای ادامه بقا و زندگی به نیروی فکری خلاق و مشارکت جامعه نیاز دارد (شاپیرو، ۲۰۰۵؛ ترجمه مقیمی و شصتی، ۱۳۹۶، ۳۸).

بندر^۲ (۲۰۰۸) با بررسی «مدل‌های مفهومی تعهد اجتماعی در آموزش عالی» شاخص‌های کلیدی نقش رهبری در دانشگاه (در تعامل با جامعه) را پیشنهاد کرد که عبارت‌اند از: توجه به منافع دیگران، فرهنگ سازمانی (برون‌گرا)، رویکرد تحقیق میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، تعامل و همکاری به شیوه علمی که با استاندارد بالایی ارزیابی شوند (مدیریت کیفیت). بون^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تعهد اجتماعی در آموزش عالی»، نشان داد که دانشگاه‌ها در توسعه خدمات اجتماعی باید مشارکت داشته باشند، متخصصان از دانش خود برای حل مشکلات جامعه استفاده کنند، دانشگاهیان مطالعه و پژوهش را برای شناسایی راه‌حل‌ها و سپس انتقال اطلاعات جدید به جامعه به کار گیرند. این مدل تأکید دارد که دانشگاه بیش از اینکه دانشجویان را برای

1. Book et al

2. Bender

3. Bowen

استخدام آماده کند، باید آنها را از راه مشارکت مدنی و مسئولیت اجتماعی به‌عنوان شهروندان مسئول تربیت کند. همچنین، به یادگیری فعال، انعکاسی و تلفیقی بین دانشجویان اهمیت داده شود که این شیوه بر عملکرد و پاسخگو بودن تأکید دارد؛ و در نهایت، نتایج به دست آمده از آموزش/یادگیری و پژوهش باید پاسخگوی مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی باشد. متاوا وهمکاران (۲۰۱۶) با بررسی «ایده دانشگاه متعهد به جامعه» تأکید کردند که پیامدهای تعهد دانشگاه به جامعه (مسئولیت اجتماعی دانشگاه) در مورد مسائلی مانند تأثیر این ایده بر وظایف اصلی دانشگاه، آموزش و پژوهش مورد توجه است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعامل دانشگاه و جامعه در تقویت توسعه اجتماعی و اقتصادی به میزان قابل توجهی به نحوه تعامل کارکنان در سیاست‌ها و رویه‌های دانشگاه بستگی دارد. همچنین نقش دانشگاه‌ها در توسعه ملی و منطقه‌ای و محلی در جهت توسعه و سیاست‌های آن به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال در این زمینه چالش‌هایی وجود داشته که به‌طور واضح می‌توان به نبود هماهنگی و ساختارهای تشویقی مربوط به دانشگاهیان اشاره کرد. جیسون و گلنویک^۱ (۲۰۱۶) با مطالعه «چالش‌های رویکرد مبتنی بر جامعه» به‌طور خاص بر نیاز به استراتژی چندرشته‌ای برای پرداختن به چالش‌های پیچیده، تأکید و پیشنهاد کردند که چالش‌های محلی به بهترین نحو در سطوح محلی و منطقه‌ای توسط گروه‌های محلی که به خوبی نیازهای جوامع را درک می‌کنند و در واقع عوامل مؤثر بر پیوند قوی‌تر بین دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجتماعی هستند، بررسی شوند. کارن و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان دادند که تغییرات درون‌سازمانی در دانشگاه می‌تواند روابط دانشگاه و جامعه را بهبود بخشد. این تغییرات شامل تغییر در فرهنگ دانشگاه، تغییر در ساختار و سلسله‌مراتب بین دانشگاه و جامعه بوده و نیز آموزش آکادمیک باید طوری باشد که ویژگی‌های مربوط به پژوهشگران درگیر در حل مسائل جامعه در اجرای پژوهش‌ها ارزش و هنجار تلقی شوند و در نهایت توانایی ما را برای توجه به نابرابری‌های سلامت پایدار در جوامع حاشیه‌ای بهبود بخشد. یولاند و فارینگتون (۲۰۱۸) به برخی چالش‌های شیوه جامعه‌محوری اشاره کردند که شامل نداشتن قابلیت تعمیم نتایج پژوهش در صورت تمرکز بر یک جامعه و کاهش کنترل

1. Jason & Glenwick

2. Karen et al

پژوهشگر بر متغیرهاست، جامعه‌محوری می‌تواند دانشگاه را از هدف‌های اصلی‌تر مانند تولید دانش منحرف کند. بنابراین، امروزه هدف‌های رقابتی در نظام آموزش عالی، موجب تداخل در رسالت اصلی دانشگاه (توسعه دانش) می‌شوند و جایگاه دانشگاه را به‌عنوان مؤسسه «خلق دانش» تضعیف می‌کنند؛ در حالی که امروزه فشار بر دانشگاه‌ها برای خدمت به جامعه با هدف دستیابی به «مولدهای اقتصادی» تشدید شده است، برای موفقیت بر چالش‌های رقابتی، دانشگاه‌ها باید با تکیه بر فناوری‌های پیشرفته توسط «اقتصاد دانش‌محور» پاسخگو باشند. البته در موارد مهم دیگری از جمله مشارکت پژوهشگران در تبادل دانش با دانشگاه و جامعه می‌تواند فرصت‌های یادگیری مؤثر و اشتغال را برای دانشجویان فراهم کند (ایجاد شغل، احیای جوامع، حفظ محیط زیست و...). سیماکو و تی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «مسئولیت اجتماعی و تعهد آموزش عالی»، نشان دادند که نقش دانشگاه‌ها در جامعه محلی/منطقه‌ای در ارتقای پتانسیل و منابع متنوع مالی برای رشد اقتصادی بسیار اهمیت دارد و موجب توسعه پایدار (در زمینه بهداشت، آموزش و پایداری زیست‌محیطی) می‌شود. در این مقاله با استفاده از مدل بویبر^۱ (دارای ابعاد کشف، ادغام، اشتراک و کاربرد دانش) ظرفیت گسترده دانشگاه‌ها در مسئولیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و استدلال شده است که با توسعه مسئولیت اجتماعی آموزش عالی برای توسعه شناختی ذی‌نفعان فرصت منحصر به فردی ایجاد می‌شود. بنابراین، اجرای پژوهش‌های هدفمند مبتنی بر نیاز جامعه امری ضروری است که بدون آن هیچ کشوری نمی‌تواند بر توانمندی‌های خود بیفزاید و در رقابت از سایر کشورها پیشی بگیرد. امروزه یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که میزان پیشرفت کشورها را نشان می‌دهد اجرای پژوهش‌های نوآورانه مبتنی بر نیاز کشور است.

^۱. ابعاد اصلی مشارکت مدنی بویبر که همگی با هم در تعامل هستند عبارت‌اند از: ۱- کشف دانش، نقش دانشگاه‌ها در پژوهش‌ها و ایجاد دانش را نشان می‌دهد؛ ۲- در حالی که ادغام دانش در یک بافت وسیع‌تر و چندرشته‌ای ایجاد می‌شود (نقش حیاتی پژوهش‌ها و ایجاد دانش)، کشف و تلفیق دانش هر دو به نقش غیرقابل‌انکار آموزش عالی در ایجاد دانش از طریق پژوهش، و رویکرد میان‌رشته‌ای برای استفاده از چنین اطلاعاتی برای توسعه پایدار جوامع توجه می‌کند؛ ۳- اشتراک‌گذاری و آموزش دانش ضروری است؛ ۴- تولید دانش، پژوهش را به‌عنوان یک عمل جمعی در نظر می‌گیرد که در آن محتوای آموزش برای تولید دانش بسیار مهم است که فرد از تئوری به عمل حرکت می‌کند (ایجاد دانش کاربردی) (سیماکو و تی، ۲۰۱۹).

برای اجرای چنین پژوهش‌هایی باید رابطه مناسب بین اجزای اصلی نوآوری در کشور یعنی دولت، صنعت و دانشگاه وجود داشته باشد.

واقعیت حاکم بر دانشگاه‌های نظام آموزش عالی ایران در حال حاضر بیانگر تأخیر و عقب‌ماندگی از مسیر پیش روی دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه یافته است و دانشگاه‌ها در این جوامع تحول و کارکردهای نوینی را در مسیر شرایط جامعه جدید (با رویکرد دانشگاه جامعه‌محور) تجربه کرده‌اند. بر اساس تجربه جدید، دانشگاه‌ها باید در ساختار سازمانی و در شیوه تولید دانش و هم‌تعامل با جامعه خود به تغییر و دگرگونی فکر کنند. از سوی دیگر، قدرت فراگیر دولت و ایجاد فضای بسته موجب وابستگی دانشگاه‌های ایرانی به دولت شده است. این چالش‌ها می‌تواند مانع توسعه دانشگاه جامعه‌محور در ایران شود. از دیدگاه ذاکر صالحی (۱۳۹۶، ۳۹) «یکی از چالش‌های تعامل جامعه با دانشگاه ایرانی داشتن انتظارات متعارض از این نهاد است که عده‌ای دانشگاه را مرکز فرهنگی-تربیتی می‌دانند، عده دیگر آن را مرکز سیاسی و گروه دیگری آن را کانون پژوهش و تولید علم، عده‌ای هم مرکز فناوری می‌دانند. در نهایت، زمانی می‌توان تعامل دانشگاه با جامعه را دچار چالش دانست که اولاً دانشگاه از تولید دانش باز بماند و ثانیاً دانش‌آموختگان برای پاسخگویی به نیاز جامعه ناتوان باشند». به‌رغم وجود بررسی‌ها و مطالعات متعدد در زمینه دانشگاه جامعه‌محور، در داخل کشور پژوهش خاصی در چارچوب این شیوه جدید صورت نگرفته است. با این توصیف، هدف اصلی پژوهش حاضر، نقد و ارزیابی دانشگاه جامعه‌محور در نظام آموزش عالی ایران است. بنابراین، با روش اکتشافی (کشف مضامین و گفتمان کلیدی) ایده دانشگاه جامعه‌محور متناسب با نظام آموزش عالی ایران تحلیل خواهد شد.

در پژوهش حاضر با توجه به هدف کلی (نقد و ارزیابی دانشگاه جامعه‌محور در ایران) پاسخگویی به پرسش‌های زیر مد نظر بوده است:

- ۱- وضعیت گفتمان دانشگاه جامعه‌محور در ایران چگونه است؟
- ۲- دلایل تحقق نیافتن دانشگاه جامعه‌محور در ایران (به لحاظ سیاسی، اجتماعی و...) چیست؟

روش پژوهش

در این مطالعه به منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی، به‌طور هم‌زمان از مطالعه اسنادی^۱ و مصاحبه با متخصصان استفاده شد. روش «مطالعه اسنادی» یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آنها را داریم (بیلی،^۲ ۱۹۹۴؛ به نقل از فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). روش مطالعه اسنادی مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری است. در این روش علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی از یک متن خارج شده و آن را به‌عنوان زبان و گفتمان نوشتاری نویسنده پذیرفته و مورد استناد قرار دهد (مگا لاکوی،^۳ ۲۰۰۶).

برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون»^۴ استفاده شد. تحلیل مضمون، روش ویژه‌ای است و یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل کیفی است. به همین دلیل، آن را ابزاری مناسب برای تحلیل روش‌های مختلف معرفی کرده‌اند (ریان و برنارد،^۵ ۲۰۰۱). اما به نظر براون و کلارک^۶ (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون، روش ویژه‌ای است که یکی از مزایای آن کدگذاری مضامین است و فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی را مهیا می‌کند.

به لحاظ روش، پژوهش حاضر در زمره روش مطالعه اسنادی و مصاحبه با صاحب‌نظران که از راهبردهای پژوهش کیفی است، قرار دارد. میدان پژوهش شامل مهم‌ترین متون (اعم از زبان نوشتاری یا گفتاری)^۷ درباره وضعیت دانشگاه جامعه‌محور در نظام آموزش عالی ایران است. بدین منظور، بیشتر مقاله‌های علمی و منابع نوشتاری مرتبط از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ مطالعه شد و در مجموع ۱۵ منبع به دلیل جامع بودن از دیدگاه خبرگان نظام آموزش عالی، در گردآوری داده‌ها استفاده شدند. به بیانی دیگر، از شاخص‌ترین مقاله‌ها و کتاب‌ها (متون نوشتاری) و نظرات و تفاسیر صاحب‌نظران آموزش عالی (متون گفتاری) در ارتباط با دانشگاه جامعه‌محور در ایران، بهره گرفته

1. Documentary research

2. Bile

3. Mogalakwe

4. Thematic Analysis

5. Ryan & Bernard

6. Braun & Clarke

7. Spoken or written language

شد.^۱ نمونه‌گیری هم براساس راهبردهای پژوهش‌های کیفی، هدفمند بود. بنابراین در پژوهش حاضر از میان متون (نوشتاری یا گفتاری) احصا شده، متونی که جنبه نمونه یا معرف یا بیشترین نقش را در موضوع پژوهش داشته و بیانگر تعامل دانشگاه با جامعه بوده‌اند به عنوان نمونه هدفمند، انتخاب شدند. در جدول (۱) به برخی از مهم‌ترین نمونه‌های نوشتاری پژوهش اشاره شده است.

جدول (۱) برخی از مهم‌ترین نمونه‌های نوشتاری پژوهش

مشخصات نمونه‌های نوشتاری				نوع نمونه	ردیف
ناشر	مجرى/پدیدآورنده	سال	عنوان		
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	معاونت پژوهش و فناوری دفتر ارتباط با صنعت	۱۳۹۷	تجارب و الگوهای موفق دانشگاه‌های کشور در توسعه همکاری با جامعه و صنعت	۱	نوع نوشتاری دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی
مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۹۶	مسئولیت اجتماعی دانشگاه و دانشگاهیان و همکاری آنان با سازمان‌های مردم‌نهاد	۲	
شورای عالی انقلاب فرهنگی	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۹	نقشه جامع علمی کشور	۳	مؤسسه

۱. لازم به ذکر است که شاخص انتخاب مهم‌ترین منابع نوشتاری (کتاب‌ها، مقاله‌ها و ...) براساس تخصص نویسندگان و اعتبار تألیفات در زمینه پژوهش حاضر از دیدگاه پژوهشگران حوزه آموزش عالی و استناددهی به این آثار در سایت‌های معتبر علمی مانند Elsevier, springer و مستندات وزارت علوم و ... بوده است. این تعداد منابع براساس نیاز ما به اطلاعات لازم و رفع ابهامات ضروری در فرایند پژوهش، انتخاب و بررسی و با این کلیدواژه‌ها جستجو شد:

2. Purposeful

مشخصات نمونه های نوشتاری				نوع نمونه
ناشر	مجرى/پدیدآورنده	سال	عنوان	
A Journal of Service Learning & Civic Engagement	Barbara Jacoby	۲۰۱۱	Review of Civic Engagement in Higher Education: Concepts and Practices	۴
International Journal of Educational Development	Lorraine Pe Symaco & Meng Yew Tee	۲۰۱۹	Social responsibility and engagement in higher education: Case of ASEAN	۵
NURSING OUTLOOK	Hamner et al	۲۰۰۲	Community-Based Service Learning in the Engaged University	۶
Center for Service Learning Western Carolina University Cullowhee	Glenn Bowen	۲۰۱۰	Civic Engagement in Higher Education	۷
Journal of Service Learning & Civic Engagement.	Barbara Jacoby and Associates	۲۰۱۱	Review of Civic Engagement in Higher Education: Concepts and Practices	۸
International Journal of Educational Development	Mtawa et al	۲۰۱۷	The scholarship of university-community engagement: Interrogating Boyer's model	۹
IGI Global (Language: English)	Sharon L. Burton	۲۰۱۷	Engaged scholarship civic responsibility in higher education	۱۰
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	هارولد تی. شاپیرو	۲۰۰۵	آموزش عالی و جامعه	۱۱
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	درک کی. بوک و همکاران	۲۰۰۹	مسئولیت اجتماعی دانشگاه	۱۲
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری	ذاکر صالحی، غلامرضا	۱۳۹۷	مسائل آموزش عالی ایران	۱۳
انتشارات سمت نو	ذاکر صالحی، غلامرضا	۱۳۹۶	دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی)	۱۴

مقاله و پژوهش

پایه

مشخصات نمونه های نوشتاری				شماره	نوع نمونه
ناشر	مجری/پدیدآورنده	سال	عنوان		
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	وحیدی، محمد	۱۳۸۸	علم در جامعه	۱۵	

برای منابع گفتاری و میدانی نیز نمونه‌گیری به روش هدفمند (از نوع گلوله‌برفی)^۱ بود. با دوازده نفر از صاحب‌نظران آموزش عالی، مصاحبه (نیمه‌ساختاریافته) انجام گرفت و گردآوری داده‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. مهم‌ترین ویژگی و ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان برای ورود به مصاحبه، داشتن تخصص و تجربه آکادمیک و تألیفاتی در حوزه آموزش عالی (در مورد ارتباط دانشگاه با جامعه و مسئولیت اجتماعی) در نظر گرفته شد. افزون بر این مصاحبه‌ها، متون مربوط به سخنرانی صاحب‌نظران، نقدها و حتی تألیفات و مقاله‌های آنان بررسی شد. این متون و مصاحبه‌ها ضبط یا رونویسی شدند. مصاحبه‌ها از ۹۸/۵/۱۰ الی ۹۸/۶/۱۱ صورت پذیرفته است. بدلیل تعهد به مصاحبه‌شوندگان، از ذکر نام آنها خودداری و برای هر مصاحبه‌شونده، کد اختصاصی منظور شد. نمونه‌های گفتاری این پژوهش، مصاحبه با اعضای جدول (۲) است.

جدول (۲) مسئولیت و تعداد اعضای نمونه گفتاری پژوهش

شماره	مسئولیت	تخصص	شیوه مصاحبه	کد اختصاصی مصاحبه‌شوندگان
۱	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	آموزش عالی	حضور	(۱)
۲	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	اقتصاد آموزش عالی	حضور	(۲)

^۱ برای نمونه‌گیری، نخست با نظر استاد راهنما (که از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه آموزش عالی کشور و دارای چندین اثر در این حوزه هستند)، مصاحبه‌شوندگان بر اساس تجارب پژوهشی و تألیفات آنان به‌عنوان نمونه معرفی شدند. سپس در فرایند مصاحبه، مشارکت‌کنندگان افراد بعدی را بنا به تجارب فعالیت در زمینه پژوهش برای مصاحبه معرفی کردند.

کد اختصاصی مصاحبه‌شوندگان	شیوه مصاحبه	تخصص	مسئولیت	ردیف
(۳)	حضور	برنامه‌ریزی آموزش عالی	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۳
(۴)	حضور	مدیریت آموزش عالی	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۴
(۵)	حضور	مدیریت آموزشی	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۵
(۶)	حضور	فلسفه آموزشی/آموزش عالی	عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	۶
(۷)	حضور	آموزش عالی	عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	۷
(۸)	حضور	روان‌شناسی تربیتی/آموزش عالی	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	۸
(۹)	تلفنی	انسان‌شناسی/آموزش عالی	عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	۹
(۱۰)	حضور	مدیریت آموزشی/آموزش عالی	از رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور	۱۰
(۱۱)	حضور	برنامه‌ریزی آموزش عالی	از رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور	۱۱
(۱۲)	تلفنی	مدیریت آموزشی/آموزش عالی	از رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور	۱۲

روش پژوهش حاضر، هم‌زمان شامل دو روش کیفی مطالعه اسنادی و مصاحبه بود. برای روش عملی گردآوری داده از مرور اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان آموزش عالی استفاده شد. داده‌های این پژوهش: ۱- از متون مختلف نوشتاری با استفاده از مرور اسناد برای استخراج گزاره‌ها و معانی دانشگاه جامعه‌محور و ۲- از متون گفتاری با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران آموزش عالی، گردآوری شدند.

تحلیل در مطالعه اسنادی با استفاده از مراحل زیر انجام گرفت:

- ۱- خلاصه‌سازی: در این بخش مطالب مهم از منابع نوشتاری به واحدهای تحلیلی به‌عنوان «عبارت» تلخیص شدند
 - ۲- استخراج مفاهیم کلیدی: مفهوم تصویری است که در قالب کلمات یا نماد بیان می‌شود.
 - ۳- مقوله‌بندی: فرایند مقوله‌بندی به خلاصه کردن مفاهیم و آشکار کردن روابط میان آنها با مفاهیم مافوق اطلاق می‌شود (فلیک، ۱۳۹۳، ۲۳)
- در روش تحلیل مضمون نیز یکی از روش‌های تحلیل مناسب، قالب مضامین است که در این پژوهش به کار گرفته شد. بدین ترتیب، در این روش فهرستی از مضامین شناخته شده در ادبیات نظری یا استخراج شده از متن داده‌ها را به صورت سلسله‌مراتب نشان می‌دهد (کینگ؛ ۲۰۰۴). بنابراین، در پژوهش حاضر تحلیل داده‌های حاصل شده از مطالعه اسناد با استفاده از هر سه روش تحلیل مطالعه اسنادی و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضامین به صورت توأمان با کدگذاری روش کیفی صورت گرفته است. بدین منظور، نوشته‌ها به صورت مداوم تحلیل شدند. معانی کلان، ابتدا از طریق مؤلفه‌های متنی از یکدیگر و سپس با بررسی ساختارهای خرد و کلان از لایه‌های مختلف متنی در یک رابطه متقابل و هم‌زمان تحلیل شده است.

پژوهشگران برای تحلیل یافته‌ها گام‌های زیر را طی کرده‌اند:

- ۱- جستجو در تمامی متون و ادبیات پژوهش، نقدها و مصاحبه‌های انجام گرفته، قوانین و مقررات آموزش عالی ایران؛
- ۲- مطالعه و بررسی متن و زمینه (بستر) تحولات در حوزه دانشگاه جامعه‌محور در نظام آموزش عالی ایران؛
- ۳- تحلیل کیفی عبارت‌ها و شاخص‌های استخراج شده آنها با دیدگاه تفسیری و انتقادی با کنار هم نهادن آنها و بهره‌گیری از نظرات خبرگان آموزش عالی انجام گرفته است؛

۴- در نهایت، نتایج تحلیل داده‌ها در سه سطح گفتمان (مضمون‌محوری) طبقه‌بندی شد که شامل: گروه موافقان «گفتمان درون‌گرا»، گروه مخالفان «گفتمان برون‌گرا» و گفتمان موافقان مشروط که در جدول ۳ ارائه شده است.

یافته‌ها در پژوهش حاضر به دو روش زیر اعتبارسنجی شد:

- ۱- تلفیق یافته‌های تحلیلی آثار مکتوب و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های میدانی (استفاده از تنوع منابع)
- ۲- تأیید کدگذاری و طبقه‌بندی سه‌گانه گفتمان توسط گروه پژوهشی

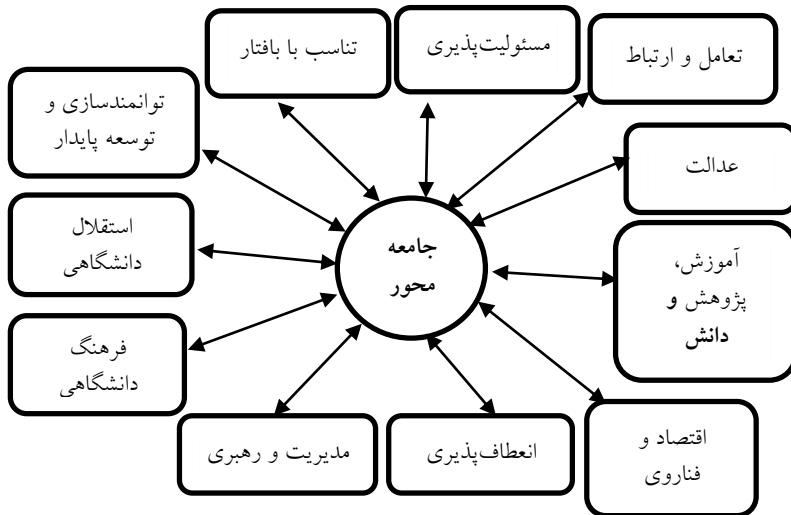
یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش شده است مؤلفه‌های مؤثر در بهبود دانشگاه جامعه‌محور، شناسایی شود و با طراحی الگوی متناسب با دانشگاه ایرانی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی ایرانی، مسئله کشف و سنخ‌شناسی شود. نوآوری این مطالعه نیز در این جنبه است. تحلیل یافته‌های پژوهش بر اساس الگوی مفهومی حاصل از داده‌ها (اسنادی و مصاحبه) شامل یازده مؤلفه اصلی از عوامل تشکیل‌دهنده و ارتقای وضعیت کنونی دانشگاه جامعه‌محور در ایران و متناسب با بافتار آن، طراحی شد (شکل ۱). سپس داده‌ها در سه سطح، گفتمان گروه موافقان (عوامل مؤثر در ارتقای جامعه‌محوری)، گفتمان گروه مخالفان (رویکرد کاملاً انتقادی) و موافقان مشروط (تمهید شرایط لازم برای تحقق جامعه‌محوری) بر اساس ابعاد تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد تحلیل قرار گرفت (جدول ۳).

تحلیل یافته‌ها

به منظور بررسی مسئله دانشگاه جامعه‌محور در ایران براساس واقعیت و وضعیت حاکم (با داده‌های حاصل از مطالعه اسناد مربوطه و مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی) الگوی مفهومی دانشگاه جامعه‌محور در ایران در یازده شاخص اصلی (شامل تناسب با بافتار ایران، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، توسعه تعامل و ارتباطات، توسعه عدالت، توسعه دانش-آموزش و پژوهش، توسعه اقتصادی و فناوری، فرهنگ دانشگاهی (برون‌گرا)، استقلال دانشگاه و آزادی علمی، ساختار انعطاف‌پذیر، رهبری و مدیریت، توانمندسازی و توسعه پایدار) در قالب یک مدل طراحی شد (شکل ۱). یافته‌های این

مدل بیانگر این است که در صورت زمینه‌سازی برای ارتقای مؤلفه‌های ذکر شده (آنچه باید باشد)، امکان تحقق دانشگاه جامعه‌محور در کشور فراهم می‌شود. به مفاهیم ابعاد در ادامه اشاره شده است.



شکل (۱) مدل مفهومی دانشگاه جامعه‌محور در ایران

۱- تناسب با بافتار ایران: برای ایجاد دانشگاه جامعه‌محور باید بستر لازم (به لحاظ تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) فراهم شود. در حال حاضر دانشگاه جامعه‌محور برای دانشگاهیان و جامعه ما مفهوم‌سازی نشده و زمینه آن (به دلیل فضای بسته مدیریت دولتی و مداخلات) فراهم نیست (۲). بنا به اهمیت مسئله، دانشگاه برای جامعه‌محور شدن در کشور نیاز به مفهوم‌سازی، گسترش گفتمان مسئولیت اجتماعی و غلبه بر رویه‌ها و قوانین موجود دارد (۵ و ۱۰ و ..).

با استناد به متون نوشتاری: «برداشت از دانشگاه جامعه‌محور وابستگی زیادی به بافت و بستر کشوری دارد که آموزش عالی در آن شکل گرفته و در حال تکامل است. لذا شایسته است پیرامون وضعیت تحقق دانشگاه جامعه‌محور در کشور ما، تحلیل انتقادی مناسبی براساس واقعیات بافت تاریخی و اجتماعی آن کشور صورت پذیرد... (۲). مشارکت‌کنندگان در مصاحبه تأکید کردند: «هنوز در نظام آموزش عالی ایران

جامعه‌محور شدن دانشگاه دارای ابهام است و مفهوم‌سازی نشده و به دلیل نداشتن بستر لازم به لحاظ مدیریت وابسته به دولت و فضای سیاسی حاکم در دانشگاه بوده، در حال حاضر توسعه دانشگاه جامعه‌محور برای کشور ما زود است و باید گفتمان مسئولیت اجتماعی در آموزش عالی افزایش یابد... (۱۰ و ۵).

۲- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: از هدف‌های مهم دانشگاه جامعه‌محور، پاسخگویی به نیاز جامعه و درگیر شدن در حل مسائل آن است (۳، ۵، ۷).^۱ ایده دانشگاه متعهد به مفهوم دانشگاه متعهد به جامعه است (کوک و همکاران، ۲۰۰۴) و متضمن آن است که از دانشگاه انتظار می‌رود در غنی‌سازی کیفیت زندگی جامعه و مردم (که دانشگاه با استفاده از منابع آنها فعالیت می‌کند)، مشارکت فعال و مؤثر داشته باشد (میل و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابه اظهارات مصاحبه‌شوندگان: «... یکی از مهم‌ترین اهداف دانشگاه جامعه‌محور پاسخگویی به نیاز جامعه و متعهد به آنان است که با درگیر کردن شدن در حل مسائل جامعه، راهکارهایی برای رفع مشکلات ارائه می‌کند و در ضمن، جامعه را هم درگیر حل مشکلات خود می‌کند (۵). دانشگاه‌ها بنا به مسئولیت خود برای پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه، ابتدا باید نیازهای محیط را مورد ارزیابی مداوم قرار داده تا اینکه بتوانند پاسخگوی جامعه شود... (۷)».

۳- توسعه تعامل و ارتباطات: برای جامعه‌محور شدن دانشگاه توسعه تعامل با جامعه نقش مهمی دارد؛ البته توسعه این تعامل نیاز به اکوسیستم باز دارد که به فعال شدن بیشتر دانشگاه‌ها در عرصه اجتماعی و برداشته شدن موانع منجر می‌شود (۲)؛ از سوی دیگر، توسعه دانشگاه جامعه‌محور نیازمند تعامل و ارتباط نزدیک میان دانشگاه-دولت و جامعه است (۱). در دهه‌های اخیر، روند تعامل دانشگاه با جامعه روبه افزایش بوده است. مواردی مانند نهادسازی، نوگرایی و رویارویی فعال با تحولات جهانی و... از جمله نقش‌های جدید دانشگاه تلقی می‌شود که این نقش‌ها تعامل دانشگاه با جامعه را ارتقا داده است. البته ضعف و قوت این تعامل به سطح توقع فعالان اجتماعی و سیاست‌گذاران جامعه برمی‌گردد (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶).

^۱. کد اختصاصی مصاحبه‌شونده‌ها

با استناد به متون نوشتاری: «دانشگاه مانند یک ارگانیزم زنده با محیط خود تعامل دارد. در دهه‌های اخیر، روند تعامل دانشگاه با جامعه روبه افزایش بوده است. مواردی مانند تحولات جهانی و... از جمله نقش‌های جدید دانشگاه تلقی می‌شود که این نقش تعامل دانشگاه با جامعه را ارتقا داده است... به هر حال، مطالعات مختلف وجود تعامل بین دانشگاه و جامعه را مورد تأکید قرار دادند...» (۱۳). مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: «... دانشگاه یک نهاد اجتماعی است و باید در ارتباط مداوم با جامعه باشد تا بتواند چالش‌های محیط را شناسایی کرده و به آن واکنش نشان دهند. بنابراین، ارتقای دانشگاه جامعه‌محور مستلزم توسعه تعامل میان دانشگاه با جامعه است. دانشگاه برای افزایش این تعامل نیازمند به اکوسیستم باز (۲) و تعامل میان دانشگاه-دولت و جامعه است...» (۱).

۴- توسعه عدالت (اجتماعی و آموزشی): جامعه‌محور شدن دانشگاه در ارتقای عدالت آموزشی و اجتماعی (با هدف کاهش فقر و نابرابری) تأثیر دارد؛ زیرا باعث افزایش دانش و آگاهی افراد کم‌درآمد و حاشیه‌نشین جامعه می‌شود و با ارائه آموزش‌های عمومی و رایگان می‌تواند زمینه دسترسی عموم جامعه را به دانش مورد نیاز تسهیل کند (۶). نتایج پژوهش برتون (۲۰۱۷) یکی از نقش‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه را اثبات عدالت اجتماعی (ایجاد فرصت‌های برابر برای عموم جامعه) نشان داد. با استناد به گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ای: «از جمله اهداف جامعه‌محور شدن دانشگاه، توسعه عدالت با هدف کاهش نابرابری در جامعه و فراهم نمودن زمینه لازم مانند توسعه آموزش‌های همگانی و.. برای آموزش به مناطق دورافتاده و حاشیه‌نشین که امکان دسترسی به مراکز آموزشی و امکانات را ندارند...» (۶). در منابع نوشتاری تأکید شده است: «دانشگاه‌ها برای توسعه مسئولیت اجتماعی بایستی خود را موظف به رعایت عدالت اجتماعی نمایند؛ زیرا دانشگاه باید محور توسعه عدالت و برابری باشد و با کاهش فاصله طبقاتی بستر لازم را جهت ایجاد مشارکت و هم‌دلی در جامعه ایجاد کند...» (۹).

۵- توسعه آموزش، دانش و پژوهش: دانشگاه متعهد به جامعه بر نقش دانشگاه در تولید دانش تأکید دارد و موجب ارتقای آگاهی و دانش اجتماعی می‌شود (کوک و همکاران، ۲۰۰۵)، در افزایش یادگیری فعال و تحرک اجتماعی تأثیرگذار است و نیازمند به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات بین دانشگاه و جامعه است (۹ و ۵). دانشگاه جامعه‌محور موجب تربیت «دانشجوی شهروند فعال» می‌شود (بون و همکاران، ۲۰۱۰).

دانشجویان در محیط مبتنی بر جامعه، فرصت‌های یادگیری مداوم را دریافت می‌کنند (هامنر، ۲۰۰۲). بنابراین برای توسعه دانشگاه جامعه‌محور، آموزش باید هدفمند، پژوهش باید مسئله‌محور و دانش تولیدشده کاربردی باشد (یعنی پاسخگویی نیاز جامعه باشند).

با استناد به متون نوشتاری: «دانشگاه‌ها در توسعه خدمات اجتماعی باید مشارکت داشته باشند، متخصصان از دانش خود برای حل مشکلات جامعه استفاده کنند، دانشگاهیان از تحقیق و پژوهش برای شناسایی راه‌حل‌ها و سپس انتقال اطلاعات جدید به جامعه به کار گیرند. این مدل تأکید می‌کند که دانشگاه بیش از اینکه دانشجویان را برای استخدام آماده کند، باید آنها را از طریق مشارکت مدنی و مسئولیت اجتماعی به عنوان شهروندان مسئول تربیت کند ... (۶). از مصاحبه شونده‌گان تأکید کردند: «... دانشگاه باید پیشران در تولید دانش باشد و با ارتقای آگاهی جامعه موجب افزایش یادگیری و تحریک اجتماعی شود (۵) برای توسعه جامعه‌محوری شدن دانشگاه، آموزش باید هدفمند و پژوهش نیز مسئله‌محور باشد ...» (۹).

۶- توسعه اقتصادی و فناوری: توسعه دانشگاه جامعه‌محور مستلزم داشتن اقتصاد باز، منابع مالی متنوع (۱، ۲) و توسعه کسب‌وکار دانش‌بنیان است (۱۲) در حقیقت، جامعه‌محوری نوآوری و توسعه اقتصادی را تسهیل می‌کنند که البته بسیاری از دانشگاه‌ها بدین علت با ذی‌نفعان تعامل دارند که منابع مالی بیشتری را تأمین و منابع عمومی نایاب را نیز تکمیل کنند (میبل و بنوردس، ۲۰۱۹). همچنین، فناوری‌های مجازی در توسعه اطلاعات و ارتباطات با هدف کاهش هزینه‌ها، آموزش از راه دور مانند ارائه آموزش مراقبت‌های بهداشتی، تسریع در انتقال اطلاعات مؤثر است (۹و۷). در نتیجه دانشگاه متعهد به جامعه به دنبال دستیابی به جامعه‌ای یکپارچه، منسجم و نوآورانه با توسعه اقتصادی است.

بنا به اسناد نوشتاری: «... امروزه فشار بر دانشگاه‌ها برای خدمت به جامعه با هدف دستیابی به «مولدهای اقتصادی» تشدید شده است، و جهت موفقیت بر چالش‌های رقابتی، دانشگاه‌ها باید با تکیه بر فناوری‌های پیشرفته توسط «اقتصاد دانش‌محور» پاسخگو باشند ... (۸). برخی از مشارکت‌کنندگان تأکید کردند: «توسعه دانشگاه جامعه‌محور نیازمند اقتصاد باز و منابع مالی متنوع است (۲) تا بتوانند با توسعه کسب و کارهای فناورانه، منابع درآمدی جدیدی را خلق نمایند ...» (۱۲).

۷- فرهنگ دانشگاهی برون‌گرا: ارتقای دانشگاه جامعه‌محور منوط به داشتن فرهنگ سازمانی برون‌گرا (۸، ۱۰) ارتقای ارزش‌های انسانی، اخلاقی و رعایت باورهای فرهنگی، تأمین امنیت و رفاه زندگی و اعتمادسازی در جامعه است (۷). همچنین، باید تغییر در نگرش‌ها و رویه‌ها و اعمال قوانین تشویقی و حمایتی از استادان و پژوهشگران این حوزه ترویج شود (۱۱). بنابراین، مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها و آموزش عالی نه تنها باید موجب افزایش مهارت‌های فردی شود، بلکه باید به تربیت شهروندانی با اصول اخلاقی والا نیز کمک کند.

در منابع نوشتاری اشاره شده است: «تغییرات درون‌سازمانی در دانشگاه می‌تواند روابط دانشگاه و جامعه را بهبود بخشد. این تغییرات شامل تغییر در فرهنگ دانشگاه، باید به گونه‌ای باشد که ویژگی‌های مربوط به پژوهشگران درگیر در حل مسائل جامعه در انجام تحقیقات ارزش تلقی شوند ... (۶). مشارکت‌کنندگان بیان کردند: «دانشگاه برای تعامل با جامعه باید دارای فرهنگ سازمانی برون‌گرا بوده و آگاهی‌های لازم برای ترویج باورها و اعتمادسازی بین فرهنگ‌های مختلف در جامعه را داشته باشد (۱۰).

۸- استقلال دانشگاهی و آزادی علمی: استقلال دانشگاهی به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و مأموریت خاص در دانشگاه است (استرمن، ۲۰۱۷). از این رو، برای توسعه دانشگاه جامعه‌محور داشتن آزادی علمی و استقلال آکادمیک (۴، ۶، ۱۰) و توسعه ارزش‌های دموکراتیک بسیار اهمیت دارد (سیماکو و تی، ۲۰۱۹؛ شاپیرو، ۲۰۰۵؛ ترجمه مقیمی و شصتی، ۱۳۹۶). در مقابل غلبه تفکر ایدئولوژیک و دخالت گروه‌های سیاسی و نفوذ دولت در امور دانشگاه‌ها مانع از استقلال و آزادی علمی شده است (۸).

بنا به متون نوشتاری: «دانشگاه‌ها نباید نیاز به جامعه‌محور شدن را به مثابه تضعیف ارزش‌های سنتی و استقلال خود تلقی نمایند، بلکه از طریق همین تغییرات نوین هست که مهم‌ترین ارزش‌های سنتی از قبیل دموکراتیک شدن، آزادی و استقلال در دانشگاه ترویج می‌یابد ... (۴). از طرفی، بزرگ‌ترین چالش برای دانشگاه‌های هر کشور، نداشتن آزادی عمل و استقلال برای ارتباط با جامعه است ... (۱۰). لذا، دانشگاه‌های ما برای جامعه‌محور شدن نیاز به استقلال آکادمیک، آزادی علمی و انتقادگری دارند ... (۴). زیرا

1. Estermann

فضای سیاسی حاکم در مدیریت دانشگاه، وابستگی به دولت و ... مانع از توسعه استقلال دانشگاهی و ارتباط آن با جامعه شده است ... (۸).

۹- ساختار انعطاف‌پذیر: امروزه نقش مسئولیت اجتماعی دانشگاه به سرعت در حال تغییر و تحول است. در این شرایط، قابلیت انعطاف‌پذیری و چابک‌سازی در ساختار دانشگاه با هدف پاسخگویی به نیاز جامعه بسیار اهمیت دارد ... (۱۳) بنابراین، ایجاد ساختار انعطاف‌پذیر و غیر متمرکز در ارتقای دانشگاه جامعه‌محور در کشور ضروری به نظر می‌رسد (۱۲).

بنا به منابع نوشتاری: «در حال حاضر، نقش اجتماعی دانشگاه و برنامه‌های آن، دائماً به سرعت در حالت تغییر است. دانشگاه‌ها باید توان رویارویی با چالش‌های مستمر و قابلیت انعطاف‌پذیری با این شرایط متغیر را داشته باشند (۱۳). بدین ترتیب، تغییر در ساختار و سلسله‌مراتب بین دانشگاه و جامعه باید مورد توجه باشد ... (۱۲).

۱۰- رهبری و مدیریت حساس به جامعه: داشتن شیوه رهبری و مدیریت حساس به جامعه (۱۴)، توجه به منافع عمومی، شفاف‌سازی و مشارکت عمومی دانشگاهیان در تصمیم‌گیری (مدیریت مشارکتی) و برنامه‌ریزی در ارتقای جامعه‌محوری اهمیت دارد (۱۰).

بنا به اسناد نوشتاری و گفتاری: «برای توسعه جامعه‌محور در دانشگاه، رهبری و مدیریت باید حساس به جامعه باشد و منافع دیگران را نسبت به منافع خود ترجیح بدهد ... (۱۴)؛ در گزینش و انتخاب به شایسته‌سالاری توجه نموده و تصمیم‌گیری با مشارکت ذی‌نفعان انجام شود ... (۱۰)».

۱۱- توانمندسازی و توسعه پایدار: توسعه دانشگاه جامعه‌محور به استراتژی‌های توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جامعه نیاز دارد (جاسمی و همکاران، ۲۰۱۸). رویکردهای مشارکتی مانند تبادل‌سازی دانش و مهارت بین دانشگاه‌ها و جوامع در توسعه آن مؤثر است (۹). دانشگاه متعهد به جامعه می‌تواند از طریق فعالیت‌های «نرم» (از جمله تربیت و آموزش دانش‌آموختگان خبره) موجب توانمندسازی سرمایه انسانی بشود. بنابراین نقش دانشگاهیان در خلق دانش، آموزش جامعه و سرمایه انسانی در دستیابی به توسعه پایدار مؤثر است (کوک، ۲۰۰۴؛ فیلیپوت! ۲۰۱۱)؛ این اصل مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها را تضمین و به توسعه پایدار، سلامت و رفاه جوامع کمک می‌کند.

مانند ایجاد اشتغال پایدار و کسب‌وکار دانش بنیان، حفظ محیط زیست (سیماکو و تی، ۲۰۱۹).

با استناد به منابع نوشتاری: «محیط آموزشی مبتنی بر جامعه، فرصت‌های یادگیری مداوم و مهارت‌های ارتباطی میان فردی و تفکر انتقادی دانشجویان را تقویت می‌کند...» (۵). از این‌رو، بنابه دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی «دانشگاه‌ها در ارتقای مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه مسئول‌اند؛ زیرا مسئولیت اجتماعی وظیفه‌ای برای پرداختن به نیازهای اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، توسعه پایدار، سلامت و رفاه جامعه و... است. مدیران دانشگاه‌ها باید فعالانه به کشف فرصت‌ها، تولید دانش جدید برای انجام فعالیت‌های ارزشمند، کسب و کار پایدار و توانمندسازی جامعه بپردازند» (۲ و ۹).

بر اساس یافته‌های حاصل از منابع نوشتاری و گفتاری و دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی، مؤلفه‌های ذکر شده برای تحقق دانشگاه جامعه‌محور در ایران، وضعیت مطلوبی ندارند و به فراهم‌سازی بسترهای لازم (کاهش مداخلات دولتی و حفظ استقلال دانشگاهی، توسعه تعهد و پاسخگویی و دیگر مؤلفه‌های اصلی در مدل...) و تغییر در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش عالی نیاز دارد. این شرایط، گویای نیاز به توجه بیشتر مسئولان به اهمیت جامعه‌محوری در دانشگاه‌های کشور است؛ چراکه بی‌توجهی به این مسئله باعث گسسته شدن رابطه دانشگاه از جامعه شده و آسیب جبران‌ناپذیری به نظام آموزش عالی وارد می‌کند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶، ۸۷). «در حال حاضر نیز شاهد این مسئله در دانشگاه‌ها (فاصله بین دانشگاه و جامعه)، فرسایش علمی و ناتوانی آن در پاسخگویی به نیاز ذی‌نفعان و... هستیم» (۱۰ و...).

نقد ارزشیابی گفتمان دانشگاه جامعه‌محور در ایران

دلایل ظهور گفتمان دانشگاه جامعه‌محور در ایران در سه گفتمان گروه موافقان، مخالفان و موافقان مشروط، طبقه‌بندی شد. جدول (۳) حاصل استخراج از مطالعه اسنادی و مصاحبه با متخصصان آموزش عالی در خصوص «نقد و ارزشیابی وضعیت دانشگاه جامعه‌محور در ایران» است که با کدگذاری در سه سطح گفتمان موافق، گفتمان مخالف و موافقان مشروط تقسیم‌بندی شده است. روش ارزشیابی خبرگان در متون نوشتاری و

گفتاری بر اساس ارزیابی از نوع آینده‌نگر^۱ بوده است؛ زیرا این ایده هنوز در ایران اجرایی نشده است تا ارزیابی گذشته‌نگر امکان‌پذیر شود. بدین ترتیب، مهم‌ترین مشخصه‌های هر گفتمان عبارت‌اند از:

الف- گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)؛ در سطح گفتمان اول موافق ایجاد و توسعه دانشگاه جامعه‌محور در ایران بودند. مهم‌ترین مشخصه (گفتمان اول): مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به نیاز جامعه، توسعه تعامل و ارتباطات، توسعه اقتصادی و توسعه پایدار و ...

بنا به منابع نوشتاری و گفتاری: «مهم‌ترین شاخصه توسعه دانشگاه جامعه‌محور پاسخگویی به نیاز جامعه، توسعه تعامل و ارتباط با محیط جهت درگیر شدن در حل مسائل (۲)، داشتن اقتصاد باز، توانمندسازی سرمایه انسانی و توسعه پایدار و ... است (۹).

ب- گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)؛ در سطح گفتمان دوم مخالف ایجاد و توسعه دانشگاه جامعه‌محور در ایران بودند. مهم‌ترین مشخصه (گفتمان دوم): ابهام‌آمیز بودن مفهوم دانشگاه جامعه‌محور، نبود استقلال دانشگاهی، دخالت دولت و گروه‌های سیاسی، وابستگی اقتصادی.

از دیدگاه خبرگان آموزش عالی: «هنوز مفهوم جامعه‌محوری در دانشگاه‌های ما ابهام‌آمیز است و متناسب با بافتار مفهوم‌سازی نشده ... (۱۱). دانشگاه‌های ما در حال حاضر به علت نداشتن استقلال آکادمیک، دیوان‌سالاری و دخالت گروه‌های سیاسی، وابستگی مالی به دولت، نداشتن ظرفیت در جامعه و... شرایط لازم برای جامعه‌محور شدن را ندارد» (۱،۳).

ج- گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط): در این سطح، به شرط ایجاد بستر لازم موافق جامعه‌محور شدن دانشگاه هستند. مهم‌ترین مشخصه (گفتمان سوم): توسعه دانش و درک جامعه (ایجاد جامعه دانش‌محور)، ایجاد فضای باز و توسعه تعامل با جامعه، تضعیف وابستگی به دولت، ایجاد منابع مالی جدید.

^۱ ارزیابی آینده‌نگر: همان‌طور که از نامش پیداست نوعی ارزیابی است که اولاً پیش از تهیه برنامه انجام می‌گیرد، ثانیاً برای تعیین منطقی بودن یا حقانیت ایجاد برنامه صورت گیرد. بنابراین، ارزیابی آینده‌نگر مشخص می‌کند که آیا مسئله و نیازی وجود دارد که حقانیت ایجاد برنامه‌ای برای حل یا تأمین آن را توجیه کند و به این پرسش نیز پاسخ می‌دهد که در صورت اجرا نشدن برنامه مورد بحث، جامعه با چه پیامدهای منفی مواجه می‌شود.

با استناد به منابع نوشتاری و گفتاری: «به شرطی دانشگاه جامعه‌محور می‌تواند در کشورمان توسعه پیدا کند که به توسعه دانش و درک جامعه با هدف ورود به جامعه دانش‌محور منجر شود ... (۷). همچنین، باید زمینه لازم جهت ایجاد فضای باز در محیط دانشگاه و گسترش تعامل و ارتباط با جامعه، عدم وابستگی به دولت و ایجاد منابع مالی مستقل و ... فراهم شود» (۱۲).

جدول (۳) ویژگی‌های گفتمان «دانشگاه جامعه‌محور»

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)	دانشگاه جامعه‌محور تالیس بافتار ایران.
<p>۱. دانشگاه‌ها باید پیشران جامعه و ارتقادهنده دانش لازم باشند؛ (توسعه جامعه دانش‌محور)؛ (توسعه جامعه بر پایه مفهوم دانش و فعالیت‌های دانش) - ضرورت تغییر نگرش‌ها و باور مدیران، افراد ذی‌نفوذ و تغییر قوانین و مقررات؛ - توسعه گفتمان مسئله جامعه‌محوری توسط نخبگان دانشگاهی و جامعه؛ - دانشگاه باید مورد بازاندیشی و انتقاد نخبگان دانشگاهی قرار بگیرد، و مسئله جامعه‌محوری را در خودش باز تولید کند.</p>	<p>۱. مفهوم دانشگاه جامعه‌محور دارای ابهام است؛ - محور قرار گرفتن جامعه مانع از دانش‌آفرینی دانشگاه می‌شود؛ جامعه باید دانشگاه را محور فعالیت خود قرار دهد نه دانشگاه جامعه را؛ - برقراری تعامل یک‌طرفه دانشگاه‌های ایران با جامعه (نبود تعامل دوطرفه)؛ و نداشتن توانایی و دانش لازم در جامعه برای ارتباط با دانشگاه - مشکل فعلی دانشگاه‌های کشور تکمیل زیرساخت‌های کیفی آن است نه جامعه‌محور شدن</p>	<p>۱. ایجاد دانشگاه جامعه‌محور در ایران ضرورتی برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر محیط؛ - گسترش گفتمان جامعه‌محوری در نهادهای دانشگاهی - در محیط نوظهور ادامه بقای دانشگاه‌ها نیازمند مشارکت جامعه و دولت است دانشگاه-دولت و جامعه</p>	

۱. ارزیابی داده‌های جدول (۱) توسط خبرگان در مصاحبه‌ها و منابع نوشتاری انجام گرفته است. پژوهشگران این مطالعه پس از طبقه‌بندی این ارزیابی‌ها در سه گروه مجزا، نقد کارشناسی خود را مبتنی بر این ارزیابی‌ها ارائه کرده‌اند.

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)	
<p>۲. توسعه گفتمان مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها؛ - درگیر شدن در حل مسائل و بحران‌های جامعه؛ - دانشگاه باید انتقادگر مسائل جامعه و ارائه‌دهنده راهکار باشد؛ - کاهش قدرت و حاکمیت دولت در دانشگاه - ارائه خدمات مبتنی بر نیاز جامعه (شنیدن صدای ذی‌نفعان)</p>	<p>۲. بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها؛ - نداشتن توانایی لازم در دانشگاه‌ها برای درگیر شدن در حل مسائل و بحران‌های جامعه (مانند سیل، زلزله و ...) - نهاد دانشگاهی تابع دولت و قوانین آن بوده؛ - خدمات دانشگاهی پاسخگوی نیاز جامعه نیست</p>	<p>۲. دانشگاه جامعه‌محور، مسئولیت‌پذیر و پاسخگوی نیاز جامعه است؛ - دانشگاه متعهد درگیر حل مسائل جامعه است</p>	
<p>۳. توسعه دانشگاه جامعه‌محور مستلزم تعامل با جامعه - داشتن اکوسیستم باز؛ مانند تعامل دوطرفه بین دانشگاه - دولت و جامعه؛ توسعه ارتباط افراد جامعه با دانشگاهیان؛ مشارکت دانشگاه در طرح‌های بزرگ ملی؛ درک نیاز جدی بازار کار و صنعت؛ «دانشگاه باید به دل جامعه بپیاید و در کنار مردم باشد»</p>	<p>۳- نداشتن تعامل مستمر دانشگاه‌ها با ذی‌نفعان؛ - نداشتن اکوسیستم باز؛ - نبود تعامل بین دانشگاه - دولت و جامعه - وجود موانع ارتباطی (دیوار فیزیکی و ذهنی) میان دانشگاه با جامعه؛ مانند رابطه یک‌سویه از بالا به پایین دولت با دانشگاه (مداخله بیشتر از تعامل)؛ - بی‌اعتمادی بین دانشگاهیان و سیاست‌گذاران؛ - نخبه‌گرایی و ناتوانی علمی</p>	<p>۳. دانشگاه جامعه‌محور در توسعه تعامل و ارتباط با جامعه تأثیر دارد - تأثیر نقش‌های جدید دانشگاه در افزایش تعامل با جامعه (مانند نهادسازی)</p>	نقد و ارزیابی ایده دانشگاه جامعه‌محور
<p>۴. توسعه عدالت اجتماعی و آموزشی باید به شرط کاهش فقر و نابرابری در جامعه باشد؛ - افزایش دانش و آگاهی افراد کم‌درآمد و حاشیه‌نشین جامعه؛ - دسترسی آسان به آموزش‌های عمومی و رایگان؛ آگاه‌سازی جامعه از طریق مشاوره با NGOها و نهادهای مردمی؛ - قوانین حمایتی و تشویق استادان و پژوهشگران این حوزه</p>	<p>۴. در دانشگاه‌های ایران عدالت اجتماعی و آموزشی لازم حاکم نیست؛ در مواردی مانند: - توزیع نابرابر امکانات در مناطق مورد نیاز؛ - رعایت نکردن عدالت در استخدام افراد مورد نیاز؛ - کلاس‌ها از استانداردهای آموزشی فاصله دارد؛ - بی‌توجهی به مناطق حاشیه‌نشین (دورافتاده)</p>	<p>۴- توسعه عدالت (اجتماعی و آموزشی) موجب ارتقای جامعه‌محوری در دانشگاه می‌شود</p>	

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)	
<p>۵. آموزش باید هدفمند باشد؛</p> <p>- تربیت «دانشجوی شهروند فعال»؛</p> <p>- افزایش تولید دانش، تحرک اجتماعی و یادگیری فعال؛</p> <p>- اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات بین دانشگاه و جامعه (تبادل‌سازی)؛</p> <p>- پیوند کلاس با جامعه (انتقال دانش محلی)؛</p> <p>- توسعه سرمایه انسانی؛ توسعه رفتار اجتماعی؛</p> <p>- ارتقای کیفیت خدمات؛ ارائه آموزش‌های عملی به دانشجویان در سطح جامعه (به منظور درک نیاز بازار کار)؛</p> <p>- آموزش مراقبت‌های بهداشتی به جامعه؛ توسعه دوره‌های میان رشته‌ای؛ توسعه پژوهش مسئله‌محور</p>	<p>۵. دانش تولید شده موجب به افزایش دانش اجتماعی نشده؛ تأثیر نداشتن دانش بر توسعه اجتماعی؛</p> <p>- بی‌نیازی جامعه به دانش؛ توده‌ای شدن دانش</p> <p>- کاربردی نبودن یافته‌های علمی؛</p> <p>- کاهش مشروعیت علمی دانشگاه و نخبگان</p> <p>- بدون نظام ارزشیابی مستمر از عملکردها؛</p> <p>- پایین بودن کیفیت خدمات دانشگاهی</p> <p>- پژوهش مبتنی بر نیاز جامعه نیست</p> <p>- محافظه‌کاری و ناسازگاری با دموکراتیک شدن در آموزش عالی</p> <p>- جامعه‌محور شدن دانشگاه در ایران مانع از دانش افزایی می‌شود.</p>	<p>۵- برای ارتقای دانشگاه جامعه‌محور توسعه دانش، آموزش و پژوهش تأثیرگذار است</p>	توسعه دانش، آموزش و پژوهش
<p>۶- افزایش انعطاف‌پذیری و چابک‌سازی در ساختار دانشگاه؛</p> <p>- درک نیاز و تغییرات محیطی (انطباق‌پذیری)؛</p> <p>- تمرکززدایی در ساختار دانشگاه؛</p>	<p>۶- دانشگاه‌ها دارای ساختار متمرکز هستند؛</p> <p>- ذی‌نفعان حق دخالت در تصمیم‌گیری ندارند؛</p> <p>- تدوین یک برنامه درسی از پیش تعیین شده برای همه فراگیران؛ بی‌توجهی به رشد استعدادها متنوع افراد (بی‌توجهی به نیاز جامعه محلی)؛</p> <p>- حاکم بودن بروکراسی و وابسته بودن به آیین‌نامه‌ها؛</p> <p>فرصت‌سوزی و کاهش کارایی سرمایه انسانی</p>	<p>۶- داشتن ساختار انعطاف‌پذیری در توسعه دانشگاه جامعه‌محور تأثیر دارد</p>	ساختار انعطاف‌پذیری- رهبری و مدیریت

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)	
<p>۷- مدیریت و رهبری دانشگاه باید حساس به جامعه باشد؛</p> <p>-انتخاب مدیران، جذب و ارتقای استادان بر اساس شایستگی باشد نه با دخالت عوامل داخلی و خارجی؛</p> <p>- پرهیز از الگوهای سلسله‌مراتبی در نظام مدیریت علمی؛</p> <p>-مشارکت دانشگاهیان در اداره امور (تصمیم‌گیری مشارکتی)؛</p> <p>-ماموریت‌گرا شدن دانشگاه‌ها؛</p> <p>مدیریت منطقه‌ای؛</p> <p>-تغییر در سیاست‌گذاری کلان آموزش عالی</p>	<p>۷- نبود مدیریت قوی در نظام آموزش عالی؛</p> <p>- دخالت دولت و گروه‌های سیاسی در مدیریت دانشگاه و انتخاب مدیران به منظور حفظ منافع شخصی (توجه به منافع شخصی)؛</p> <p>- جذب استادان بدون توجه به قواعد (با مداخله خارجی)؛</p> <p>اصولی نبودن آیین‌نامه ارتقای استادان؛</p> <p>- نبود شفافیت و مشارکت عمومی</p>	<p>۷- برای جامعه‌محور شدن دانشگاه، شیوه رهبری و مدیریت (حساس به جامعه) تأثیر دارد</p>	
<p>۸- توسعه ارزش‌های دموکراتیک در دانشگاه؛</p> <p>-داشتن فضای باز برای گفتگو و همکاری؛ حمایت از منتقدان نخبه دانشگاهی؛ دادن آزادی علمی به پژوهشگران در حل مسائل جامعه؛ دخالت نکردن گروه‌های سیاسی (داخلی و خارجی) و کاهش قدرت نفوذ دولت در امور دانشگاه؛</p> <p>- هم‌فکری و هم‌افزایی بین دانشگاه- دولت و جامعه</p>	<p>۸- نداشتن آزادی بیان در دانشگاه؛ محدودیت در پژوهش؛ نداشتن حق انتقادگری (از مسائل جامعه)؛</p> <p>-سلطه‌گری دولت بر دانشگاه؛ دخالت نکردن در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزش عالی؛</p> <p>- مدرک‌گرایی و نگاه ابزاری به دانشگاه‌ها؛</p> <p>- شکل‌نگرفتن هویت دانشگاهی در ایران؛</p>	<p>۸- جامعه‌محور شدن دانشگاه مستلزم داشتن آزادی علمی و استقلال آکادمیک است.</p>	استقلال دانشگاهی و آزادی علمی
<p>۹- تأثیر مؤثر دانشگاهیان و پژوهشگران در توسعه پایدار؛</p> <p>-توسعه کارآفرینی؛ ایجاد اشتغال پایدار برای دانش‌آموختگان؛ توسعه کسب‌وکار دانش بنیان</p> <p>-ارتقای کیفیت خدمات؛ تولید دانش فرارشته‌ای</p> <p>توجه به نیازهای اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی</p>	<p>۹- نبود اقتصاد باز و فضای باز؛</p> <p>- کمیت‌گرایی؛</p> <p>- توسعه توده‌ای نهادهای دانشگاهی؛</p> <p>- توسعه نامتوازن ابعاد کیفی و کمی خدمات؛</p> <p>-بی‌توجهی به نیازهای اجتماعی و رفاه جامعه؛</p>	<p>۹- ارتقای دانشگاه جامعه‌محور در دستیابی به توسعه پایدار اهمیت دارد.</p>	توسعه پایدار و توانمندسازی

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)		
<p>۱۰- ارتقای توانمندی و ظرفیت‌سازی در جوامع؛</p> <p>- ایجاد مشروعیت علمی؛ قدرت رقابت‌پذیری؛</p> <p>- آموزش عملی به دانشجویان در سطح جامعه (به منظور درک نیاز بازار کار)؛</p> <p>- بهبود مهارت‌های زندگی در جامعه محلی؛</p> <p>- ارتقای مهارت‌های ارتباطی بین فردی، یادگیری تیمی، توانایی حل مسئله، تفکر انتقادی؛ آینده‌نگری، افزایش پویایی و نشاط علمی؛</p> <p>- تقویت کمی و کیفی انجمن‌های علمی (به‌عنوان حلقه واسطه نخبگان و جامعه)</p> <p>- جامعه باید دانش‌محور شود (ارتقای جامعه دانش‌محور)</p>	<p>۱۰- افزایش دانش موختگان بیکار و بدون مهارت؛</p> <p>- بی‌پناهی ندادن به آموزش مهارت‌های اجتماعی؛</p> <p>- نداشتن مهارت‌های حل مسائل و انتقادگری؛</p> <p>- کالایی شدن دانش و تمایل به ارزش‌های بازار</p> <p>- نگاه ابزاری به دانشجویان؛ نداشتن انگیزه یادگیری</p> <p>- فرسایش و آنتروپی (علمی) در دانشگاه‌ها</p> <p>- حمایت نکردن از ایده‌پردازان و نخبگان</p> <p>- بی‌نیازی جامعه به کسب دانش و آگاهی</p> <p>- کاربردی نبودن یافته‌های علمی برای کشور (علی‌رغم ارتقای جایگاه علمی ایران در جهان)</p>	<p>۱۰- توسعه دانشگاه جامعه‌محور مستلزم توانمندسازی و ایجاد ظرفیت است.</p>		
<p>۱۱- توسعه اقتصاد باز؛ ایجاد منابع مالی متنوع؛</p> <p>- کاهش وابستگی مالی به دولت (استقلال مالی)؛</p> <p>- افزایش خصوصی‌سازی در آموزش عالی؛</p> <p>- توسعه کسب‌وکار دانش‌بنیان؛</p> <p>حمایت از طرح‌های کارآفرینی؛ حفظ محیط زیست، منابع آب و انرژی؛</p>	<p>۱۱- نبود منابع مالی متنوع؛ نداشتن استقلال مالی و وابستگی شدید آموزش عالی به دولت؛</p> <p>- تأثیر نامطلوب بحران اقتصادی حاکم در جامعه بر کاهش کارایی و عملکرد دانشگاه</p>	<p>۱۱- دانشگاه جامعه‌محور در توسعه اقتصادی مؤثر است (اقتصاد دانش‌محور)</p>	عوامل اقتصادی و فناوری	
<p>- توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛</p> <p>- توسعه آموزش‌های مجازی (با هدف کاهش هزینه‌ها و تسریع در انتقال اطلاعات)؛</p> <p>- توسعه شبکه‌سازی بین نهادها و سازمان‌ها؛ توسعه ارتباط با ذی‌نفعان؛</p> <p>افزایش نوآوری و خلاقیت؛</p> <p>- توسعه فناوری شرکت‌های زایشی (تبدیل فناوری به ثروت)</p>	<p>- توسعه نیافتن فناوری در آموزش عالی؛</p> <p>- پایین بودن کیفیت آموزش‌های مجازی؛</p> <p>- بی‌توجهی به فناوری و نوآوری در روش‌های آموزش و پژوهش</p> <p>- نبود سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی؛</p> <p>- توسعه نیافتن کتابخانه‌های الکترونیکی</p>	<p>- فناوری در ارتقای دانشگاه جامعه‌محور نقش مهمی دارد؛</p>		

گفتمان سوم (ارزیابی موافقان مشروط)	گفتمان دوم: ارزیابی گروه مخالفان (برون‌گرا)	گفتمان اول: ارزیابی گروه موافقان (درون‌گرا)	
<p>۱۰- احترام به ارزش‌های انسانی، حفظ حقوق بشر، تأمین امنیت، رفاه و سلامت جامعه، اعتمادسازی؛ ایجاد فضای با نشاط و جامعه سالم؛ تقویت روحیه همکاری، تغییر در نگرش‌ها و رویه‌ها؛ تشویق، و حمایت از استادان و پژوهشگران (متعهد به جامعه)؛</p> <p>-توجه به جامعه‌پذیری علمی دانشجویان؛ ارزش‌های دموکراتیک -تفکیک بین هنجارهای محیط علمی و محیط عمومی</p> <p>-تقویت همگرایی در خرده‌فرهنگ‌های دانشگاهی و عموم جامعه (احترام به عقاید همدیگر)</p>	<p>۱۰-حاکم بودن فرهنگ دانشگاهی بروکراتیک</p> <p>-کاهش ارزش‌های اخلاقی در جامعه دانشگاهی</p> <p>-بی‌اعتنایی به خرده‌فرهنگ‌ها</p> <p>-بی‌توجهی به سلامت جامعه؛</p> <p>-نبود فضای با نشاط و پویا؛</p> <p>کاهش امنیت و اعتماد؛</p> <p>کاهش میزان اعتقادات جامعه به مسائل فرهنگی به باورهای اخلاقی مانند تعهد، صداقت و امانت‌داری و...</p>	<p>۱۱- توسعه دانشگاه جامعه‌محور نیازمند فرهنگ دانشگاهی برون‌گرا است؛</p>	<p>د ر ر ی ز ی</p>

دلایل تحقق نیافتن دانشگاه جامعه‌محور در ایران

بر اساس نتایج، دلایل متعددی مانع از ظهور دانشگاه جامعه‌محور در ایران است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

-**سابقه تاریخی:** با وجود پیشینه درخشان تأسیس نهاد دانشگاهی و آموزش عالی در ایران از دوران پیش از اسلام و پس از آن، اما در دوره معاصر نهاد دانشگاهی در نتیجه الگوبرداری صوری از جوامع غرب در ایران شکل گرفت (۷ و ۸). با توجه به پیشینه، دانشگاه در درون جامعه به وجود آمده و مانند یک ارگانیزم زنده، همواره با محیط خود تعامل داشته است، بنابراین دانشگاه از همان اوایل جامعه‌محور بوده و وظیفه آن توسعه علم، نخبه‌پروری و تابع ارزش‌های درون دانشگاهی بوده است (۹). ولی دانشگاه در ایران از آغاز درون دولت به وجود آمد و بدون ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بوده است، به همین دلیل از کارکردهای درونی دانشگاه که هویت آن را می‌سازد، غافل ماندیم (۸). به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، گسترش گفتمان مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌های کشور به دلیل پاسخگویی به نیاز جامعه، شکل‌گیری دانشگاه

۱. از جمله سابقه تاریخی درخشان آموزش عالی در ایران، تأسیس دانشگاه جندی شاپور (واقع در دزفول در شمال خوزستان) به‌عنوان نخستین دانشگاه تاریخ ایران و از نخستین دانشگاه‌های علمی و عملی در جهان بوده است.

جامعه‌محور (دانشگاه نسل چهارم) بیشتر مورد توجه دانشگاهیان قرار گرفته است. بدین منظور، نخست باید فضای عمومی برای جامعه‌محوری در دانشگاه آماده بشود که ظاهراً این فضا تا حدودی شکل گرفته است ولی هنوز کنشگران آن (دانشجویان، استادان و مدیران) نسبت به این موضوع جبهه دارند (۹). حتی به نظر برخی صاحب‌نظران آموزش عالی هنوز اصطلاح دانشگاه جامعه‌محور در ایران ابهام‌آمیز است (۲، ۵، ۱، ۶، ۸)؛ زیرا، به علت اراده دولتی فضای بسته‌ای در نظام آموزش عالی حاکم است (۳). به علت اینکه در کشور کارکردهای دانشگاه با جامعه تناسب ندارد، در حال حاضر توانایی و دانش لازم برای جامعه‌محور شدن را ندارد، این دلایل مانع از دستیابی دانشگاه به هدف اصلی (تولید علم) می‌شود. برای تحقق دانشگاه جامعه‌محور در ایران، جامعه باید دانش‌محور شود تا دانشگاه بتواند بر آن ورود پیدا کند (۵). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که هنوز دانشگاه‌های ما زمینه لازم برای جامعه‌محور شدن را ندارند و در واقع از پاسخگویی به نیاز جامعه غافل شده‌اند.

- ساختارسیاسی: دانشگاه‌ها در ایران به دلیل ساختار متمرکز اداری و آموزشی، فضا را برای دخالت و اعمال قدرت دولت و گروه‌های سیاسی در آموزش عالی فراهم کرده‌اند و این گروه‌ها تلاش می‌کنند برای حفظ منافع و قدرت خودشان در مسائل آموزش عالی نقشی داشته باشند (مانند مداخله در انتخاب مدیران دانشگاهی، جذب و ارتقای استادان، بی‌عدالتی و نابرابری در امر آموزش و...) (۲).

- عوامل اقتصادی: ساختار اقتصادی کنونی دانشگاه‌های کشور و وابستگی شدید مالی به منابع دولتی، جذب منابع ناکافی از جمله درآمدهای اختصاصی باعث شده که دولت‌ها به دلیل حمایت مالی از آموزش عالی، انتظار دخالت و پاسخگویی از دانشگاه‌ها را داشته باشند (۱). از سوی دیگر، نداشتن فضای اقتصاد باز و نبود منابع مالی متنوع وابستگی دانشگاه را به دولت بیشتر کرده و تمایلی برای مستقل شدن ندارند. این ساختار بسته، مانع از استقلال دانشگاهی و اختیار عمل در پاسخگویی به نیاز جامعه شده است (۲).

- اوضاع اجتماعی جامعه ایران: جامعه ما از ابتدا با ساختارهای نظارتی انطباق یافته است. در نظام‌های دانشگاهی نیز چنین وضعی حاکم است (شرفی، ۱۳۹۶). به نظر خبرگان علمی، برخی از این ساختارها که در تعامل دانشگاه با جامعه در ایران مقاومت می‌کنند: ۱- غلبه سیاست و تمام‌خواهی بر آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی؛ ۲- حاکم بودن دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در سیاست‌گذاری آموزش عالی؛ ۳- تنوع نداشتن

منابع مالی و اعتباری دانشگاه‌ها؛ ۳- ضعف بخش خصوصی و غیردولتی، NGOها و نهادهای مدنی در کشور به‌ویژه در عرصه یادگیری علم و دانش نوین؛ ۴- ضعف نهادهای دانشگاهی در پاسخگویی به جامعه و... هستند که در واقع غلبه این فضای متمرکز مانع ورود دانشگاه به جامعه شده است. از این‌رو در وضعیت کنونی، دانشگاه‌های کشور پاسخگوی نیاز جامعه نیستند (این یعنی تحقق نیافتن جامعه‌محوری) (۱۱).

عوامل فرهنگی: حاکم شدن فرهنگ بروکراتیک و محافظه‌کاری و ناسازگاری با روندهای دموکراتیک در آموزش عالی ایران مشهود است؛ زیرا نهادهای فرهنگی به‌عنوان یک گروه متخصص قدرت فرهنگی دانشگاه را در اختیار دارند و بین هنجارهای خاص محیط علمی با جامعه عمومی تفکیک قائل نیستند. بنابراین، این نوع نگرش و بی‌اعتمادی دانشگاهیان و سیاست‌گذاران به کارآمدی دانشگاه در مسائل فرهنگی و تعامل هدمند آن با جامعه و دولت آسیب می‌رساند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶، ۶۷). ذاکر صالحی (۱۳۹۶، ۱۰۴)، بستر اصلی راهکارها را توجه به تغییرات فرهنگی، همگانی کردن فرهنگ علمی در دانشگاه ضمن حفظ ارتقای چارچوب‌های ارزشی مشترک با جامعه می‌داند. وی تأکید کرده است، ارزش‌های مناسب در محیط، ارزش‌هایی هستند که دانشگاه راه به سمت فرهنگ خودکفا، پراعتقاد، متمرکز به هدف و آفریننده هدایت می‌کنند. به‌طوری که می‌توان گفت «پیوند میان جهان علم و جهان معنا آن‌قدر نزدیک است که فعلیت بخشیدن به یکی مستلزم پرداختن به دیگری است». این در حالی است که ارتقای علمی افراد تأثیری بر توسعه ارزش‌های اخلاقی و انسانی نشده است. بنابراین، همان‌طور که تأکید شده، کیفیت جامعه ما را هنجارهای اخلاقی تعیین می‌کند که علم و فناوری حقیقتاً خواستار بازتاب دادن آنهاست (شاپیرو، ۲۰۰۵؛ ترجمه مقیمی و شصتی، ۱۳۹۶، ۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه از مهم‌ترین شاخص‌هایی که میزان پیشرفت کشورها را نشان می‌دهد توانایی دانشگاه در پاسخگویی به نیاز جامعه است. برای انجام این امر باید رابطه مناسب بین اجزای اصلی علم و نوآوری در کشور ما یعنی دولت، صنعت و دانشگاه وجود داشته باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی انتقادی تحقق دانشگاه جامعه‌محور و ارائه الگویی برای توسعه دانشگاه جامعه‌محور در کشور است. یافته‌های پژوهشی، عمدتاً

بیانگر وجود موانع بیرونی و ساختاری متعدد در شکل‌گیری دانشگاه جامعه‌محور در ایران به لحاظ تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در سابقه تاریخی دانشگاه ایرانی به شکل نگرفتن هویت دانشگاهی تأکید شده است، این یافته با پژوهش ذاکر صالحی (۱۳۹۶، ۶۹) همخوانی دارد، مبنی بر اینکه «دانشگاه ایرانی به دلیل ضعف عناصر هویت‌ساز از هر الگوی رایج دانشگاهی ایده‌ای ناقص گرفته است و این چندالگویی به مثابه بی‌الگویی است». با توجه به اینکه از دلایل مداخلات بیرونی، در ادبیات پژوهش و پژوهش‌های مختلف و در یافته‌های پژوهش حاضر بارها سخن به میان آمده و نشان‌دهنده این است که تأثیر مداخلات و اعمال قدرت دولت در آموزش عالی کشور به مراتب بیشتر از دلایل دیگر است. این موضوع با یافته‌های پژوهش، خورسندی طاسکوه (۱۳۹۶)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۶)، شرقی (۱۳۹۷) و ذاکر صالحی (۱۳۹۷) مطابقت دارد.

نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه در ایران طی بیش از یک سده اخیر در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های دولت شکل گرفته و همچنان مدیریت و کنترل می‌شود. وابستگی به دولت، کارویژه اصلی این نهاد، یعنی تولید دانش علمی را به شدت تحت تأثیر ملاحظات و اولویت‌های بروکراتیک قرار داده و کم‌وبیش مختل کرده است. به علاوه، بی‌ثباتی‌های پی در پی سیاسی و ناپایداری جهتگیری‌های سیاسی دولت‌مردان، به ویژه طی چند دهه اخیر، این آسیب‌ها شدت یافته است. از این رو، مسئله دانشگاه جامعه‌محور در ایران روندی پرفراز و نشیب داشته و در حال حاضر نیز با افزایش سرعت تغییرات و تنوع در نیازها، دانشگاه‌ها (به علت کیفیت پایین و فرسایش علمی در دانشگاه و دانشگاهیان) پاسخگوی جامعه نبوده و تداوم این روند، نیازمند تأمل و بازاندیشی مسئولان در خصوص اهمیت تحقق جامعه‌محوری در نظام آموزش عالی کشور است. برخی از پیامدهای ادامه وضعیت موجود عبارت‌اند از: ۱- اثربخشی اندک فعالیت‌های علمی دانشگاه‌ها؛ ۲- استمرار روحیه نخبه‌گرایی و خصلت برج عاج‌نشینی؛ ۳- حل نشدن مسائل علمی و عقب‌ماندگی در فناوری؛ ۳- از دست رفتن تدریجی پرستیژ و مشروعیت نهادهای علمی؛ ۴- تأخیر در دوران گذار از توسعه نیافتگی؛ ۵- تکرار خطاهای سیاست‌گذاری اجتماعی.

همچنین در یافته‌های حاصل از الگوی مفهومی دانشگاه جامعه‌محور از دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی، این الگو شامل یازده مؤلفه است، شامل: تناسب با بافتار ایران، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، تعامل و ارتباطات، توسعه دانش، آموزش و

پژوهش، ارتقای عدالت (اجتماعی و آموزشی)، توسعه اقتصادی و فناوری، انعطاف‌پذیری، فرهنگ دانشگاهی برون‌گرا، استقلال دانشگاهی و آزادی علمی، رهبری و مدیریت، توانمندسازی و توسعه پایدار. هر یک از این مؤلفه‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر در ارتقای دانشگاه جامعه‌محور تأکید شده است. این موارد با یافته‌های برتون (۲۰۱۷) در پژوهش «مسئولیت اجتماعی دانشگاه متعهد به جامعه» همخوانی دارد که بر ابعاد توسعه عدالت اجتماعی، افزایش فرصت اقتصادی و تعالی آموزش تأکید داشتند. دیگر پژوهش‌ها از جمله جکسون (۲۰۱۷)، جاسمی و همکاران (۲۰۱۷)، کوک و همکاران (۲۰۰۴) که هدف دانشگاه متعهد به جامعه را افزایش توانمندی، مسئولیت‌پذیری جامعه تلقی کرده‌اند، همچنین با یافته‌های کارن و همکاران (۲۰۱۷)، بون (۲۰۱۰) و بندر (۲۰۰۸) در توسعه مؤلفه فرهنگ دانشگاهی مطابقت دارد. در دیگر ابعاد مانند ساختار انعطاف‌پذیر و... با یافته‌های جیسون و گلنویک (۲۰۱۶)، یولاند و فارینگتون (۲۰۱۸)، سیماکو و تی (۲۰۱۹)، شاپیرو (۲۰۰۵)؛ ترجمه مقیمی و شصتی، (۱۳۹۶)، بوک و همکاران (۲۰۰۹)؛ ترجمه امیر و همکاران، (۱۳۹۶) و ذاکر صالحی (۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) همخوانی دارد. بنابراین، هر یک از مؤلفه‌ها در توسعه دانشگاه جامعه‌محور در ایران و پاسخگویی دانشگاه به جامعه محلی می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

در حال حاضر، دانشگاه‌ها در این محیط نوظهور به نیروی فکری خلاق و مشارکت جامعه برای ادامه دادن به تصوراتشان از آنها همانند بخش مهمی از بقا و زندگی همواره در حال تغییر نیاز دارند. از سویی، بزرگ‌ترین چالش برای دانشگاه‌های هر کشور، قرار گرفتن در محدودیت و نداشتن آزادی عمل و استقلال است؛ بنابراین، در دهه‌های پیش رو، نیرو و انرژی لازم، سازگاری و انطباق‌پذیری، رهبری و مدیریت تغییرات، همان ارزش‌هایی هستند که باید برای تداوم آموزش عالی شایسته مورد توجه قرار گیرد (شاپیرو، ۲۰۰۵)؛ ترجمه مقیمی و شصتی، (۱۳۹۶، ۷۲).

مشکل اصلی در نظام آموزش عالی ایران این است که نوعی دیوان‌سالاری دولتی، وابستگی اقتصادی و رویکردهای سنتی در آن حاکم است که تعیین‌کننده سیاست‌ها، برنامه‌ها، ساختار و فضای دانشگاه در ایران شده و نتیجه‌اش ناکارآمد شدن دانشگاه ایرانی و بازماندن آن از پویایی لازم آکادمیک بوده است. دانشگاه در این فضای بسته (نبود اکوسیستم باز)، هرگز مرزهای دانش را گسترش نخواهد داد (۱) هرچند که در سال‌های اخیر، توسعه دانشگاه‌ها در مواردی (مانند رشته‌های علوم پزشکی و مهندسی ...) موجب توسعه کشور، محرومیت‌زدایی، رشد فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان و

توسعه کارآفرینی شده ولی در بیشتر موارد (به دلایل توده‌ای شدن دانش و کاهش مشروعیت علمی...) به‌ویژه در دانشگاه‌های غیر دولتی و آزاد، توسعه فقط کمی بوده و حداقل کیفیت را ندارند (۹). اما، بحث از دانشگاه جامعه‌محور در دانشگاه‌ها، بی‌توجهی به کارویژه اصلی (تولید دانش) یا محور قرار دادن جامعه نیست، بلکه تعهد به جامعه و درگیر شدن در حل مسائل، شناسایی چالش‌های کنونی و فرصت‌های آینده جامعه است که افزون بر ایجاد فرصت برای رشد و بالندگی برای دانشگاه، امکان پیوند بین کلاس با جامعه و تبادل دانش و تجربیات با دوره‌های آموزش علمی را فراهم می‌سازد. این اقدام می‌تواند ابتکاری برای ایجاد مسئولیت مدنی در میان دانشجویان با هدف تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر و فعال و افزایش درک جامعه شود. در تأیید یافته‌های پژوهش و همسویی با مطالب اشاره شده (که بیشتر متخصصان آموزش عالی بر آن تأکید داشتند)، یکی از مشکلات اصلی دانشگاه‌های ایران در تحقق نیافتن جامعه‌محوری، نداشتن استقلال دانشگاهی و آزادی علمی است. منظور از این مسئله به معنای از بین رفتن نقش دولت در دانشگاه‌ها نیست بلکه نظارت بر حسن اجرای مدیریت دانشگاهی و استقرار سازوکار پاسخگویی است. اگر قرار است دانشگاه درس‌نویس کشور سهم باشد، باید مورد بازاندیشی و انتقاد نخبگان دانشگاهی قرار گیرد تا بتواند مسئله جامعه‌محوری را در خودش بازتولید کند. این مهم در گرو داشتن دانشگاه باز و مستقل است (دلیل چنین امری این است دانشگاهی که از استقلال برخوردار هست درصدد ارتقای کیفیت خدمات، انعطاف‌پذیری و کسب دستاوردهای جدید است)؛ بنابراین آنچه امروز دانشگاه‌ها و جوامع علمی در کشور به آن نیاز دارند، ایجاد ظرفیت‌های لازم (از جمله مشارکت بیشتر دانشگاهیان در مدیریت دانشگاه با فضای حرفه‌ای آکادمیک) برای دستیابی به توسعه دانشگاه جامعه‌محور (متعهد به جامعه) است.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، راهبردهای این پژوهش به منظور توسعه دانشگاه جامعه‌محور کشورمان، در دو سطح اقدامات دانشگاهیان و دولت‌مردان به شرح زیر است:

الف- اقدامات مربوط به دانشگاهیان

- تلاش دانشگاهیان و اجتماع علمی برای گسترش گفتمان دانشگاه جامعه‌محور با غلبه بر رویه‌ها و فضای کنونی، اثربخشی آنان برای مطالبه جامعه‌محوری (به کمک

انجمن‌های علمی و NGOها در سطح جامعه محلی، با هدف ابهام‌زدایی از مسئله جامعه‌محوری در دانشگاه‌ها؛

- پاسخگویی دانشگاه‌ها به نیاز جامعه برای کسب اعتماد بیشتر بین دانشگاه-دولت و جامعه در جهت تحقق انتظارات از آموزش عالی (با هدف مشارکت‌پذیری و اعتمادسازی)؛

- تلاش برای ترسیم مفهوم درست از دانشگاه جامعه‌محور در نظر دولت‌مردان و دانشگاهیان؛

- تلاش برای تغییر نگرش مدیران و اعمال قوانین حمایتی، تشویقی و ترویجی برای استادان و پژوهشگران (هدف از این راهکار تغییر نگرش مدیران به جامعه‌محور شدن دانشگاه‌های کشور و ایجاد سازوکارهای حمایتی از پژوهشگران این حوزه)؛

- آموزش‌های عملی به دانشجویان در سطح جامعه (به منظور درک نیاز بازار کار و اشتغال‌زایی) و ارزیابی عملکرد آنان؛

- تقویت کمی و کیفی انجمن‌های علمی و NGOها به‌عنوان حلقه واسطه نخبگان و جامعه (با هدف انتقال دانش به جامعه)؛

- فعالیت‌های پژوهشی باید مسئله‌محور باشد (به منظور هدفمندسازی پژوهش مبتنی بر پاسخگویی به نیاز جامعه)؛

- برای توسعه دانشگاه جامعه‌محور، آموزش باید هدفمند و دانش تولید شده باید کاربردی باشد (آموزش و دانش تولید شده پاسخگوی نیاز جامعه باشد)؛

- برای ارتقای نظام برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه، ارزش‌ها باید برای مخاطبان باورپذیرتر و بر جنبه‌های کاربردی آموزه‌های دینی تأکید شود (مانند کمک به هموعان، تعهد داشتن و...)

ب- اقدامات مربوط به دولت‌مردان

- کمک به دانشگاه‌ها برای ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های ارتباطی و تعاملی با جامعه محلی و مسئولان محلی

- تعدیل دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در حکمرانی و سیاست‌گذاری آموزش عالی - کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی، افزایش تنوع مالی و درآمد مستقل در آموزش عالی (با توسعه کارآفرینی، گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی تولیدات در جهت حفظ استقلال دانشگاه ...)

- کاهش تمرکزگرایی در محیط‌های دانشگاهی (با هدف افزایش انعطاف‌پذیری)؛

- جلوگیری از افزایش بی‌رویه کمی‌گرایی و مدرک‌گرایی در آموزش عالی و فهم هویت دانشگاهی (کیفیت‌بخشی)؛
- تلاش برای حضور و مشارکت هرچه بیشتر دانشگاهیان در تصمیم‌گیری‌های علمی و دانشگاهی (با هدف مدیریت مشارکتی)؛
- تلاش برای ایجاد مدیریت منطقه‌ای دانشگاه‌ها و مأموریت‌گرایی در جهت پاسخگویی به نیاز جامعه محلی؛

منابع

- خلیلی، ابراهیم؛ خورسندی طاسکوه، علی؛ آراسته، حمیدرضا و غیائی ندوشن، سعید (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی تاریخی از استقلال دانشگاهی. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۹ (۴)، ۳۰-۵۳.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۶). دانشگاه نسل چهارم؛ مأموریت جامعه‌سازی. *نشریه دانشگاه امروز*، ۲، ۱۱۲-۱۳۵.
- بوک، درک کی و دیگران (۲۰۰۹). *مسئولیت اجتماعی دانشگاه: رسالت دانشگاه در جهان پیچیده امروز (مجموعه مقالات)*؛ ترجمه آرمن امیر، علی پاپلی یزدی و مریم عالم‌زاد (۱۳۹۶). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکرسالچی، غلامرضا (۱۳۹۶). *دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی)*. تهران: سمت نو.
- ذاکرسالچی، غلامرضا (۱۳۹۷). *مسائل آموزش عالی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شاپیرو، هارولد تی. (۲۰۰۵). *آموزش عالی و جامعه: یک معنای وسیع‌تر از مقوله هدف*؛ ترجمه شروین مقیمی و شیما شصتی (۱۳۹۶). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شرقی، محمد (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی استقلال دانشگاه‌ها و چالش‌های پیش روی آن*. مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها؛ چالش‌ها و راهبردها. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۴). مبانی روان‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۲۷ (۸)، ۹۱-۶۱.
- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۶). *مسئولیت اجتماعی دانشگاه و دانشگاهیان و همکاری آنان با سازمان‌های مردم‌نهاد*.
- وحیدی، محمد (۱۳۸۸). *علم در جامعه*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Abdelrahim, M.; MohiEldin, M. & Mahmoud, I. (2019). Do community-based Medical Schools Produce More Communitybased Research? A Review of Four Medical Schools in Sudan and Saudi Arabia. *Health Professions Education*, 2, 1-12

- Barbara, J. (2011). Review of Civic Engagement in Higher Education: Concepts and Practices. *A Journal of Service Learning & Civic Engagement*, 2 (1), 250-280.
- Bender, G. (2008). Exploring conceptual models for community engagement at higher education institutions in South Africa. *Perspectives in Education*, 26 (1), 82-95
- Bowen, G. (2010). Civic Engagement in Higher Education. *Journal of Community Engagement & Higher Education*, 5 (1), 47-81.
- Burton, Sh. L. (2017). *Engaged Scholarship and Civic Responsibility in Higher Education*. IGI Global, 200-208.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 77-101.
- Cooke, P. (2005). Regionally asymmetric knowledge capabilities and open innovation: exploring 'globalisation 2' – a new model of industry organisation. *Res. Policy*, 34, 1128–1149.
- Cooke, P.; Heidenreich, M. & Braczyk, H. J. (2004). *Regional Innovation Systems*, 2nd ed. Routledge, London and New York.
- Estermann, T. (2017). *University Autonomy in Europe III: Country Profiles*, European University Association, Brussels, Belgium.
- Fairclough, N. (2012). Critical discourse analysis, International Advances in Engineering and Technology (IAET). *International Scientific Researchers*, 2 (1), 457 -422.
- Halseth, G.; Markey, S.; Manson, D. & Ryser, L. (2016). *Doing community-based research: Perspectives from the field*. Montreal, Canada: McGill-Queen's Press-MQUP.
- Hamner, B; Wilder, B.; Avery, G. & Byrd, L. (2002). Community-Based Service Learning in the Engaged University. *Nurs Outlook*, 50, 67-71
- Jackson, K. (2018). Telemedicine and Telehealth: Academics Engaging the Community in a Call to Action. *IGI Global is prohibited*, 9, 36-49. DOI: 10.4018/978-1-5225-3649-9.ch008
- Jasmi, L. (2017). Empowering Civic Responsibility: Insights From Service Learning IGI Global is prohibited. DOI:10.4018/978-1-5225-3649-9.ch007.
- Jason, L. & Glenwick, D. S. (2016). *Handbook of methodological approaches to community-based research: Qualitative, quantitative, and mixed methods*. New York, USA: Oxford University Press.

- Karen, H. W. (2017). Using community-based participatory research and organizational diagnosis to characterize relationships between community leaders and academic researcher. *Preventive Medicine Reports*, 7, 180–186.
- King, D. (2004). Template analysis', in G. Symon and C. Cassell . *Essential Guide To Qualitative Qualitative Methods In Organizational Research*, SAGE Publications, London
- Lukovics, M. & Zuti, B. (2015). New Functions of Universities in Century XXI Towards "Fourth Generation" Universities. *Journal Transition Studies Review*, 22 (2), 33-48.
- Mabel, S. & Benneworth, P.(2019). Is the entrepreneurial university also regionally engaged? Analysing the inflence of university's structural confiuration on third mission performance. *A JournalL Technological Forecasting & Social Changem*, 141 , 206–218.
- Mahrous, M. (2018). Faculty perceptions regarding community-based medical education: The case of K S A. *Journal of Taibah University Medical Sciences*, 13 (1), 22-33.
- Mtawa, N.; Fongwa, S. & Wangenge-Ouma, G. (2016). The scholarship of university-community engagement: Interrogating Boyer's model. *International Journal of Educational Development*, 49, 126–133.
- Mogalakwe, M. (2006). The Use of documantry research Methods in Social Research. *African Sociological Review*, 2, 221-230
- Pawlowski, K. (2009). The 'Fourth Generation University' as a Creator of the Local and Regional. Development. Higher Education in Europe, 34 (1), 51 -64 .
- Philpott, K.; Lawrence, D.; O'Reilly, C. & Lupton, G. (2011). The entrepreneurial university:examining the underlying academic tensions. *Technovation*, 31 (4), 161–170
- Symaco , L. & Tee, M. (2019). Social responsibility and engagement in higher education: Case of the ASEAN. *International Journal of Educational Development*. www.elsevier.com/locate/ijedudev
- Ryan, G. W. & Bernard, H. R. (2000). Data Management and Analysis Methods, In Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), *Handbook of Qualitative Research* (p. 769-802.), Thousand Oaks, CA: Sage
- Xiaoyang, W. & Bukhari, N. H. S. (2013). Critical Discourse Analysis and

-
- Educational Research. *Journal of Research & Method in Education*, 2 (3) , 33-45
- Yolande, E. & Farrington, C. (2018). Community-based research: Engaging universities in technology related knowledge exchanges. *Information & Organization*, 28 , 129–139